



انترناسیونال ۳۶۵

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۸۹، ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه

فراخوان به اقدام فوری، شنبه ۱۸ سپتامبر: شهروندان جهان علیه

صفحه ۱۲

رژیم شلاق و سنگسار!



حمید تقوایی

جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدن، از مدتها قبل از ورشکستگی وال استریت و آغاز دور جدید بحران جهانی و مدتها قبل از آغاز تحریمها، با بحران ویژه خود دست بگریبان بوده است.

صفحه ۲

خطر فلاکت، "خطر" انقلاب!

فقر و فلاکت در جامعه ابعاد بیسابقه ای یافته است. بیکاری و گرانی بیداد میکند و هر روز زندگی بر اکثریت عظیمی از مردم سخت تر و غیر قابل تحمل تر میشود. ریشه این وضعیت فلاکتبار اقتصادی، سیاسی است. ریشه مساله نه آنطور که حکومتی ها میخواهند وانمود کنند بحران جهانی سرمایه داری است و نه تحریمهای اقتصادی. مشکل خود حکومت است.

در گرامیداشت قربانیان کشتار تابستان ۶۷

دادگاههای چند دقیقه ای محکوم به اعدام شدند و در گورهای بی نام و نشان به خاک سپرده شدند. نماز نخواندن، مسلمان نبودن، امتناع از شرکت در مصاحبه تلویزیونی از بهانه های عادی اعدام ها بود. یاد همه این عزیزان گرامی باد!

قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ ادامه کشتار سال ۵۸ در کردستان و ترکمن صحرا،

صفحه ۶

پس از گذشت ۲۲ سال، پرونده جنایات جمهوری اسلامی در تابستان ۱۳۶۷ در مقابل چشم جهانیان مجدداً باز شده است. در این سال هزاران زندانی سیاسی، هزاران مخالف رژیم، هزاران کمونیست و آزادیخواه در عرض چند هفته در زندان های سراسر کشور تیرباران شدند. این کشتار به فرمان مستقیم خمینی رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی انجام شد. هزاران نفر در



استقبال از برنامه های زنده کانال جدید در هاتبرد

کاظم نیکخواه

یک رویداد خوب و هیجان انگیز در این هفته بازگشت پرشور کانال جدید به هات برد و شروع برنامه های زنده و ارتباط مستقیم بینندگان است. استقبال پرشور بینندگان از برنامه های زنده کانال جدید نشان میدهد که کانال جدید و بحثها و رهنمودها و سیاستهایی که در آن طرح میشود، یک نیاز مهم جامعه و مردم ایران است. در برنامه روز هشت سپتامبر که از اولین برنامه ها بود بیش از صد نفر زنگ زدند و شمار زیادی توانستند روی خط بروند و حرفهایشان را به گوش مردم برسانند. روزهای بعد بر تعداد تلفنهای افزوده شد. از شهرها و مناطق مختلف زنگ میزدند تهران، کرمانشاه، خوزستان، بلوچستان، قزوین، کرج، آذربایجان، گیلان، مشهد، کردستان و مناطق و شهرهای دیگر. کارگران بیشترین تعدادی بودند که زنگ میزدند و از دستمزدهای پایین یا از بیکاری خود و از هزینه های مسکن و دزدیهای حکومتی ها سخن میگفتند و یا با عصبانیت پاسخ یکی دو طرفدار حکومت را میدادند. شماری هم زنگ میزدند و تقاضای عضویت در حزب کمونیست کارگری را میکردند. جوانان، زنان و قشرهای مختلفی زنگ میزدند. این چند روزه هرروز بر تعداد تلفنهای افزوده شده است. بهر رو آنچه اینجا میخواهم بازگو کنم گزارشی از برنامه ها نیست. برای خود من

صفحه ۶

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحات ۷-۸

کنفرانس مطبوعاتی مینا احدی در شهر برلین در مورد کمپین جهانی نجات سکینه محمدی

صفحه ۱۲

"هدفمند کردن یارانه ها"، اهداف و جهت گیریها!

محمد شکوهی، صفحه ۹

صفحات دیگر

مانور تازه جمهوری اسلامی را خنثی میکنیم

صفحه ۱۲

اخراج، بیکاری و نپرداختن دستمزد کارگران باید متوقف گردد!

صفحه ۱۱

تعرض جمهوری اسلامی به حقوق معلمان موقوف!

صفحه ۱۰

اخباری از اعتراضات به اخراج و نپرداختن دستمزدها

صفحه ۳

بازتاب هفته

تهاجم چماقدارن حکومت به منزل کروی

کاظم نیکخواه

مطروودین جامعه

یاشار سهندی

در حاشیه هیجان نجات معدنچیان شیلیائی از

اعماق زمین

بهروز مهر آبادی

شکافهای تازه و معضل خامنه ای

بهروز مهر آبادی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خطر فلاکت، ...

بحران مزمن و تشدید شونده ای که در مجموع میتوان آنرا بحران حکومتی نامید. اساس این بحران این واقعیت است که جمهوری اسلامی که برای سرکوب انقلاب ۵۷ تحت نام انقلاب به جلو رانده شد از همان آغاز يك غده سرطانی وصله ای ناجور بر تن جامعه بود و هیچگاه نتوانست به يك نظام متعارف و حتی نسبتاً تثبیت شده تبدیل شود. هیچگاه نتوانست اقتصادیات جامعه را بر يك روال عادی و بر مبنای يك نظم و نسق حتی نسبتاً قانونمند و با حساب و کتاب- آنطور که مثلاً در دیگر کشورهای منطقه با يك حکومت و اقتصاد سرمایه داری نسبتاً باثبات تر مثل ترکیه یا اردن مشاهده میکنیم- قرار بدهد. تنها "قانون" و "نظم اقتصادی" حکومت اسلامی فعال مایشائی يك اقلیت ناچیز- مقامات حکومتی و يك قشر انگل وابسته به آنان- در غارت و چپاول افسارگسیخته منابع ثروت جامعه و ثمره دسترنج کارگران و زحمتکشان بوده است و بس.

نظام جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی دو ویژگی ثابت دارد که مدام تولید و باز تولید شده اند: اول فقر گسترده و مزمن اکثریت عظیم مردم (جامعه ای با هشتاد درصد زیر خط فقر با آمار رسمی خود حکومت) و دوم ثروت نجومی قشر ناچیزی از مفتخوران صاحب سرمایه و منافع و مراکز تولیدی که بیت رهبری و مقامات حکومتی در راس آن قرار دارد. این دو خصیصه نظام موجود را به رکورد دار فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و همچنین رکورد دار ثروتهای باد آورده ناشی از دزدی و چپاول منابع ثروت جامعه و استثمار افسار گسیخته کارگران و توده مردم زحمتکش تبدیل میکند. بحران سرمایه جهانی است و فقر و بیکاری همه جای دنیا وجود دارد ولی "گم شدن" مداوم اقلام چند میلیارد دلاری از بودجه، سلطه يك باند مافیائی بر منابع طبیعی و کارخانجات و مراکز و رشته های تولیدی و خدماتی و بانکها و واردات و صادرات و غیره، وجود آقا زاده ها و امام جمعه ها و آیت الله های مالتی میلیاردی که هر روز پروا تر میشوند، دستمزدهای کمتر از يك چهارم خط فقر رسمی و دستمزدهائی که شش ماه و يك سال پرداخت نمیشود، همه

از صفحه ۱

اینها را فقط در ایران جمهوری اسلامی زده میتوان یافت. تورم چند صد درصدی و بیکاری چند ده درصدی ویژه ایران است. گسترش کلیه فروشی و تن فروشی از سرفقر و برای امرار معاش نیز خاص ایران جمهوری اسلامی است.

امروز تحریمهای اقتصادی نیز بر این "تعمات اسلامی" افزوده شده است و رژیم تلاش دارد مثل جنگ آثرا به "برکت" تبدیل کند. جنگ را خمینی برکت نامید چون تحت پوشش و به بهانه آن هر اعتراض و مخالفتی را کوبیدند و زدند و کشتند و جامعه را به صلابه کشیدند. حالا میخواهند با توسل به "برکت تحریم" ها همان راه را بروند. اخیراً خامنه ای در يك سخنرانی از "اقتصاد مقاومت" و اینکه تحت این تحریمها باید کار مضاعف کرد و غیره سخن گفته است. تکیه کلام امام جمعه ها و مقامات حکومتی هم همین است. بستن مراکز تولیدی و بیکارسازیهای مزمن و همیشگی حکومت امروز با بهانه تحریم اقتصادی توجیه میشود، گرانی و تورم را بپای تحریم مینویسند، و "کار مضاعف" و "قناعت مضاعف" برای "دور زدن" تحریمها را موعظه میکنند. تحریم اقتصادی بیشک عامل تشدید فشار اقتصادی بر توده مردم هست اما منشا و عامل اصلی این فشار وجود خود حکومت اسلامی است. در واقع بیشترین ضرر مردم و منفعت رژیم در اعمال تحریم اقتصادی همین توجیه فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری از سوی حکومتی است که خود منشا و عامل اساسی کل این وضعیت است.

عامل دیگر در ایجاد اوضاع فلاکتبار حاضر طرح جراحی اقتصادی است که مستقیماً از طرح بانک جهانی به کشورهائی که میخواهند از وامهای این بانک- یا بعبارت صحیح تر سرمایه گذاری جهانی- برخوردار شوند کپی شده است. حذف یارانه ها و تقویت بخش خصوصی و پائین نگهداشتن دستمزدها و جایگزین کردن استخداً رسمی با قراردادهای موقت کار و غیره همه از سیاستهای توصیه شده بانک جهانی و همچنین اجزاء طرح جراحی اقتصادی جمهوری اسلامی است. این حلقه ایست که اقتصاد جمهوری اسلامی را به بحران جهانی

سرمایه داری ربط میدهد. و این ارتباط خود گرچه بخاطر بی ثباتی سیاسی حکومت گرهی از سرمایه دارها و مشکل سرمایه گذاری در ایران باز نخواهد کرد اما فشار بر کارگران و اکثریت عظیم مردم زحمتکش و حقوق بگیران را بمراتب تشدید خواهد کرد.

بر زمینه و مبنای این عوامل اقتصادی دو قطب متضاد در برابر یکدیگر شکل گرفته اند: در یکسو يك اقلیت ناچیز با ثروتهای نجومی و در سوی دیگر توده مردم، اکثریت عظیم مردم به زیر خط فقر رانده شده که در زیر فشار گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت بخود می پیچد. اقلیت ناچیز حاکم سلطه جهنمی خود را تنها با شدیدترین و وحشیانه ترین سرکوبها میتواند حفظ کند. زندان و شکنجه و سنگسار و اعدام و قصاص و تعزیر و شلاق اسلامی لازمه پاسداری از کوه ثروت اقلیت حاکم در برابر دریای فقر توده مردم کارگر و زحمتکش است. سرکوب و دیکتاتوری همیشه در ایران شکل حکومتی ضروری برای حفظ سلطه و کارکرد سرمایه بوده است و امروز بروز مشخص این ضرورت را در سلطه مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی که سرمایه ها و کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی و معادن و منابع طبیعی ثروت را به همراه نیروهای بسیج و پاسدار و زندانها و شکنجه گاهها و کل دستگاه سرکوب و آدمکشی جمهوری اسلامی یکجا در اختیار و تحت سلطه خود دارد میتوان مشاهده کرد. جمهوری اسلامی نماینده و تبلور وحدت سرکوب و سرمایه در ایران است. اساساً جمهوری اسلامی روی کار آمد برای آنکه بورژوازی ایران - و جهان- راه دیگری برای سرکوب انقلاب ۵۷ نداشت. به جمهوری اسلامی رضایت دادند برای آنکه از قدرت گیری چپ و از قدرت گیری شوراهای کارگری و کلا شوراهای مردم که در انقلاب ۵۷ همه جا تشکیل شده بود جلوگیری کنند. این "راه حل ممکن" امروز خود به يك ماشین چپاول و جنایت، به يك مافیای اقتصادی، تبدیل شده و "خطر" انقلاب و قدرت گیری چپ را بیش از هر مقطع دیگری در تاریخ ایران به کابوس بورژوازی بومی و جهانی تبدیل کرده است.

این کابوس حاکمین، رویای توده مردم ایران است. مردم ایران سال گذشته در يك خیزش انقلابی

در گرامیداشت قربانیان ...

ادامه کشتار دانشجویان در سال ۵۹ و تیرباران هزاران زندانی سیاسی در سالهای ۶۰ تا ۶۳ بود. ادامه سرکوب شوراهای کارگری، ادامه تحمیل حجاب و سرکوب خشونت بار زنان، بستن روزنامه ها و در هم شکستن تشکل های مختلف مردم و دستگیری و شکنجه دهها هزار کمونیست و مخالف رژیم بود. و تنها از این طریق، رژیم اسلامی توانست خود را سر پا نگهدارد و حکومت کند.

۲۲ سال پس از این جنایت، رژیم همچنان سرکوب میکند و مخالفین را به زندان می اندازد اما امروز در اوج بحران اقتصادی و سیاسی، در اوج استیصال و بهم ریختگی و در اوج انزوای جهانی دست و پا میزند. سال قبل میلیونها نفر از مردم در خیابانها حکومت اسلامی را به محاکمه کشیدند و دست اندرکاران رژیم در سال ۶۷ را به جان هم انداختند. زیر فشار انقلاب، سران رژیم جنایات انجام شده را به گردن يك دیگر می اندازند و تلاش می کنند تا خود را بیگناه جلوه دهند. مشروعیتشان را خود زیر سوال برده

میلیونی نشان دادند که راه حل مشکلات خود را بخوبی میشناسند: برزیر کشیدن کل نظام جمهوری اسلامی. راه حل فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری در نهایت خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

اگر جمهوری اسلامی تنها راه حل ممکن بورژوازی برای "اداره" و یا در واقع به صلابه کشیدن جامعه است، آنگاه برای توده مردم برزیر خط فقر رانده شده نیز تنها راه ممکن برای رسیدن به يك زندگی انسانی، برای برخورداری از حق مسلم منزلت و معیشت، برزیر کشیدن این حکومت است.

این واقعیت در عین حال تاکیدی بر شدت بخشیدن به اعتراض و مبارزه علیه این ماشین جنایت و چپاول، نه تنها در مقابل فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری، بلکه در همه عرصه ها است. اعتراض معلمان به اخراج و بیکارسازی بیش

از صفحه ۱

اند و حکومتشان را خود به محاکمه کشیده اند. امروز در مقابل جنایات جمهوری اسلامی جنبش عظیمی در ایران و در سطح جهان شکل گرفته است. اعدام دلارا دارابی در اول مه سال قبل و سپس اعدام فرزاد کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر، جنبش عظیمی را در ایران و کمپین نجات سکیه، جنبش جهانی قدرتمندی را علیه اعدام و سنگسار و حکومت جنایت اسلامی بوجود آورد که خاموش نخواهد شد و روز بروز مستحکمتر خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری خاطره زندانیان سیاسی جانباخته در تابستان ۶۷ را گرامی میدارد و با تمام قوا برای به سرانجام رساندن و به پیروزی رساندن انقلابی که از خرداد سال قبل شروع شد تلاش میکند. این در عین حال بهترین راه بزرگان داشت جانباختگان راه آزادی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد حکومت انسانی
آزادی، برابری، حکومت انسانی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ شهریور ۱۳۸۹، ۹ سپتامبر ۲۰۱۰

از ۱۲۰ هزار معلم که هم اکنون در حال جریان است، کمپین جهانی علیه سنگسار، و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی همه اجزای مختلف يك نبرد واحد برای در هم شکستن ماشین سرکوب و چپاول جمهوری اسلامی است.

رژیم خیزش انقلابی سال گذشته را فروخواند اما خود نیز با پیکری در هم شکسته و صفوفی بهم ریخته و مستاصل تر و بحرانه تر از همیشه از این نبرد بیرون آمد. به چالش کشیدن حکومت از همه جهات و در همه عرصه ها بر زمینه مساعدی که خیزش انقلابی اخیر ایجاد کرده است تنها راه وارد آوردن ضربه نهائی بر این پیکر فرتوت و خلاصی از فقر و فلاکت و کلیشه مصائب و بیحقوقیهائی است که جمهوری اسلامی سرمایه به جامعه تحمیل کرده است.*

يك دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

اخباری از اعتراضات به اخراج و نپرداختن دستمزدها

نساجی بابکان شهرستان آمل؛

بیش از پنجاه تن از کارگران معترض کارخانه نساجی بابکان در آمل در اعتراض به بییکارسازیها و عدم امنیت شغلی درمقابل فرمانداری شهرستان آمل تجمع کردند؛ در این حرکت اعتراضی کارگران به بییکارسازیهای وسیع و سازمان یافته ای که بشدت زندگی آنها را تهدید می کند اعتراض می کردند. بنا بر اخبار منتشر شده از فروردین امسال تا کنون حدود ۱۵۰ نفر از کارگران این کارخانه از کار اخراج شده اند و از ۱۵۰۰ کارگر شاغل در آن اکنون تنها سیصد و شصت کارگر شاغل باقیمانده است و این تعداد نیز توسط هیئت مدیره کارخانه مداوما در خطر اخراج هستند. بنا به اطلاعاتی که کارگران از طریق هیئت مدیره شرکت کسب کرده اند طی ماه جاری قریب به صد و پنجاه کارگر که اکثرا پانزده سال سابقه دارند در شرف اخراج هستند. این کارگران با داشتن بیش از سی و پنج سال سن، شانس برای یافتن کار در بازار کار بحران زده کنونی ندارند. هیئت مدیره با بستن قراردادهای کوتاه مدت با کارگران درحالیکه اسمی از طرف دیگر قرارداد در آن نیست لهر گاه که اراده میکند و اکنون به بهانه تجهیز و نوسازی کارخانه شروع به بییکارسازی کارگران کرده است. این درحالی است که دستگاههای نساجی این کارخانه اغلب نو و بازسازی شده است. اکثریت قریب به اتفاق کارخانجات نساجی در استان مازندران درحال تعطیلی و ورشکستگی هستند. طی ده سال گذشته، دوازده هزار نفر از کارگران این رشته تولیدی در کارخانجات مازندران از کار بیکار شده اند.

کارخانه نساجی کرب ناز هرسین؛

بنا بر خبر دریافتی کارگران نساجی کرب ناز هرسین کرمانشاه سه ماه و نیم حقوق و هشت ماه بیمه خود را طلب دارند. از سوی دیگر مدیریت نیز گفته است که از ۳۱ شهریور ۹۰ نفر از کارگران اخراج خواهند شد. در ارتباط با این مشکلات ۲۰ روز است که این کارگران در اعتصاب بسر میبرند. به این ترتیب که یا سر کار حاضر نمیشوند و یا اگر به کارخانه میروند

کار نمیکنند. در ادامه همین اعتراضات روز چهارشنبه ۱۷ شهریور کارگران این کارخانه در مقابل بانک سرپرستی ملت جمع شدند. در این حرکت اعتراضی کارگران با حراست کارخانه که برای فیلمبرداری و شناسایی کارگران معترض به محل آمده بود، درگیر شدند. یک نقطه قوت حرکت اعتراضی کارگران هرسین اتحاد آنان است. کارگران در مجمع عمومی خود ۵ نماینده را برای پیگیری خواسته هایشان انتخاب کرده اند. در این شرکت ۶۰ کارگر رسمی و ۲۲۵ کارگر قراردادی کار میکنند که کارگران رسمی نیز از حرکت اعتراضی کارگران قراردادی حمایت کرده و میگویند اگر این اخراج ها صورت گیرد، فردا دامن ما را نیز خواهد گرفت. این کارگران امروز ۱۸ شهریور نیز از ساعت ۹ صبح در مقابل اداره کار کرمانشاه تحصن کردند. از آنجا که روز ۱۹ و ۲۰ شهریور روزهای تعطیلی رسمی است، کارگران اعلام کرده اند که روز یکشنبه دوباره به تجمع خود ادامه خواهند داد. در این ۲۰ روز کارگران نساجی کرب ناز همچنین به استاندار و مقامات مختلف دولتی نامه داده و طومارهای اعتراضی ارسال کرده اند. مدیریت کارخانه گفته است که اگر این ۹۰ کارگر خود رضایت دهند در ازای پایان قراردادشان ۱ ماه تا ۴۵ روز به آنها حق سنوات پرداخت خواهد شد. اما کارگران گفته اند حتی اگر ۴ ماه هم پرداخت شود حاضر به ترك کارشان نخواهند بود و متحد در مقابل اخراج ها ایستاده اند. کارگران نزد امام جمعه شهر رفته و اخطار کرده اند که اگر به وضعیت آنها رسیدگی نشود به اعتراضشان ادامه خواهند داد و به تهران رفته و در مقابل دفتر احمدی نژاد تجمع خواهند کرد. کارگران اعلام کرده اند که از خواسته هایشان کوتاه نخواهند آمد و این حرکت اعتراضی ادامه دارد.

اخراج ۲۰ نفر از کارگران کارخانه درخشان قم

به گزارش آسمان دیلی نیوز ماه گذشته بیش از ۲۰ نفر از کارگران کارخانه درخشان قم به علت پایین آمدن میزان فروش پارچه از این کارخانه اخراج شدند. کارگران در این کارخانه قراردادهای ۳ ماهه دارند و

طبق قرارداد، کارفرما اجازه دارد هنگامیکه وضعیت کارخانه بحرانی است کارگر را اخراج کند. جمهوری اسلامی با قراردادهای این چنینی دست کارفرمایان را در اخراج کارگران کاملا باز گذاشته است. کارگران به این وضعیت معترضند.

کارگران اخراجی سازمانیه: کوتاه نمی آیم

کارخانه آجر پزی سازمانیه (تولید کننده آجرهای بهمنی) که درفرون آباد پاکدشت در مسیر جاده خاوران در جنوب شرقی تهران واقع شده از جمله کارخانه هایی است که در مسیر ورشکستگی و نابودی افتاده و کارگران آن و خانواده هایشان قربانی این نابسامانی شده اند. حدود ۴۵۰ نفر از کارگران قراردادی این کارخانه که هرکدام سوابق کار بین ۱۰ تا ۱۵ سال و حتی بیشتر از این را دارند از سال ۸۸ دستمزدی نگرفته اند و این کارگران تاکنون حداقل ۱۲ تا ۱۵ میلیون تومان بابت دستمزدهایشان طلب دارند. این کارگران در رابطه با این وضعیت به اشکال مختلف اعتراض کرده، نامه داده و به مقامات مختلف دولتی مراجعه کرده اند ولی تا کنون پاسخی نگرفته اند. کارگران سازمانیه چندین بار تجمعات اعتراضی برپا کرده اند و جز وعده و وعید و سردوانن پاسخی به آنها داده نشده است و همچنان در بلاتکلیفی بسر میبرند. در یک حرکت توطئه گرانه مدیریت برای اینکه راه برگشت کارگران به کارخانه را سد کند و از پرداخت مطالبات آنان طفره رود، دست به استخدام کارگران قراردادی جدید زد که موجب اعتراض کارگران اخراجی قبلی شد و آنها گفتند که اگر کارخانه نیازی به کارگر دارد پس چرا ما را اخراج کرده است. این درحالیست که مدیریت حتی حقوق دو ماه اخیر کارگران قراردادی جدید را نیز به جیب زده است و به آنها پولی پرداخت نکرده است و این کارگران نیز در همین مدت دوبار دست به تجمع اعتراضی زده اند.

کارگران اخراجی سازمانیه که در وضعیت اقتصادی اسفباری بسر میبرند، تاکنون چندین بار با تجمعات اعتراضی خود در محل کارخانه مدیریت را از کارخانه بیرون کرده اند. در یکی از این حرکات اعتراضی کارگران اعلام کردند که

ما معدن خاک کارخانه را بابت بخشی از بدهی خودمان برمیداریم و شما بروید کارخانه را بفروشد و بقیه بدهی ما را بدهید. در ادامه این اعتراضات آخرین خبر مربوط به ۲۸ مرداد است که مدیریت و عواملش بخش عمده ای از اموال کارخانه شامل کامپیوترها - وسایل انبار کارخانه و حتی بخشی از اموال شخصی کارگران را دزدیده و از کارخانه خارج کرده و سپس به بهانه اینکه میخواهند به وضعیت کارگران اخراجی رسیدگی بکنند درب کارخانه را مهروموم کردند و گفتند که کارخانه را به مزایده فروش میگذاریم تا بدهی کارگران را بپردازیم و اگر کسی معدن و کارخانه را نخرید خود کارگران میتوانند در برابر بدهی هایشان معدن و کارخانه را بخرند. کارگران اینرا توطئه دیگری از جانب مدیریت دانسته و خواهان دستمزدهای پرداخت نشده خود هستند. کارگران اعلام کرده اند که ما از حق خودمان کوتاه نمی آیم و اعتراض و تجمع ما همچنان ادامه خواهد

کارگران نازنخ قزوین خواهان ۷ ماه حقوق معوقه خود و بازگشت به کارشان هستند

بنا به گزارشهای منتشر شده چندماه پیش یعنی در فروردین ۸۹ مدیریت کارخانه نازنخ کارگران این کارخانه را به بهانه سرویس فنی و رسیدگی به دستگاه های کارخانه، به مدت دو ماه به مرخصی با حقوق فرستاد. اما وقتی کارگران بعد از دوماه مرخصی در خرداد ماه به کارخانه بازگشتند، با کارخانه ای تعطیل و تقریبا متروکه مواجه شدند و از حقوقهایشان نیز خبری نبود. این موضوع موجب شروع موجی از اعتراضات در میان این کارگران شد. این کارگران بارها به تهران رفتند. مقابل دفتر احمدی نژاد و وزارت صنایع و دیگر مراکز دولتی تجمع کردند. اما پاسخی به آنان داده نشد. در آغاز مرداد ماه امسال بود که این کارگران یک تحصن ۴ روزه در مقابل مجلس را شروع کردند که با وعده هایی که به آنها داده شد و در گام اول پرداخت یکماه از طلبهایشان، به قزوین بازگشتند. اما پس از آن به جز پرداخت یکماه از طلبهایشان خبری از وعده های داده شده و باقی طلبهایشان نشد. کارگران مجددا در مقابل کارخانه و همچنین مقابل

سازمان صنایع در قزوین تجمعات مختلفی برپا داشتند. و این اعتراضات ادامه دارد. مسئول کارخانه نازنخ فردی بنام حاجی میری است که مستقیما تحت حمایت مقامات دولتی است. او علاوه بر این کارخانه حداقل ۷ کارخانه دیگر نیز در اختیار دارد که در آنها نیز کارگران در همین وضع و حال بسر میبرند. کارگران نازنخ هم اکنون ۷ ماه حقوق و عیدی و پاداش خود را طلب دارند. و با تعطیل اعلام شدن کارخانه در وضعیت بلاتکلیفی قرار دارند و عملا از کار بیکار شده اند. کارگران نازنخ اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته هایشان به مبارزات خود ادامه خواهند داد. کارخانه نازنخ درجاده قدیم قزوین - کرج در کیلومتر ۶ جاده قزوین واقع است. این کارخانه تا سال ۷۴ حدود ۱۶۰۰ کارگر داشت و اکنون جمعا ۲۸۵ کارگر در آنجا به کار اشتغال دارند.

کارگران مه نخ، تک نخ، فرنخ خواهان دستمزدهای پرداخت نشده و بازگشت به کارشان هستند

قبلاسه کارخانه مه نخ، فرنخ و تک نخ سه کارخانه جداگانه بودند ولی اکنون یک کارخانه محسوب میشوند. تولیدات این کارخانه ها نخ بود که اکنون بصورت کامل خوابیده و کارگران از کار بیکار و در بلاتکلیفی بسر میبرند. طی چندماه اخیر کارگران این کارخانه ها بطور مداوم درمقابل کارخانه و درمقابل سازمان صنایع و اداره کار هر هفته تجمع داشته اند. این کارگران ۷ ماه دستمزد و عیدی و پاداش خود را طلب دارند. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده خود و بازگشتشان به کار هستند. از جمله روز سه شنبه ۲۶ مرداد بیش از ۱۷۰ کارگر از کارگران فرنخ در مقابل این شرکت ریسندگی که در حال حاضر به حال تعطیل در آمده است و تنها نگهبانهای آن باقی مانده اند، تجمع کردند و خواسته هایشان را مطرح کردند. کارگران این کارخانه ها همچنین هر روزه در دسته های ۷-۶ نفره تا ۲۰ نفره برای پیگیری طلبهایشان و تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود مراجعه میکنند و تا کنون پاسخی به آنان داده نشده است.

اخراج و بیکاری، نپرداختن دستمزدها و تحمیل مشقت بی سابقه

بازتاب هفته

تهاجم چماقداران حکومت به منزل کروی



کاظم نیکخواه

هفته گذشته منزل مهدی کروی چندین روز متوالی مورد حمله شدید ارادل و اوپاش حکومتی قرار گرفت. گروههای چماقدار با شعار دادن و رنگ پاشیدن بر در و دیوار و شکستن پنجره ها و حمله به محافظان کروی و حتی استفاده از گاز اشک آور و تیراندازی به داخل ساختمان و همچنین فحش های رکیک اورا مورد حمله قرار دادند. شدیدترین حملات یک روز قبل از روز قدس صورت گرفت و فرمانده محافظان کروی بنام سرهنگ یاری شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفت تا حدی که بیهوش شد و بعداً به بیمارستان منتقل گردید و جالب است که بعداً ممنوع الملاقات شد! دولت و نیروی انتظامی این حمله را به "گروههای خودسر" نسبت دادند و سرتیب نقدی رئیس "بسیج مستضعفان" حتی آنرا نقشه ای برای مطرح کردن کروی خواند و گفت "ایجاد درگیری های ساختگی سناریوی دشمن است. آنها قصد دارند با ایجاد درگیری های محلی مردگان سیاسی فتنه گر را دوباره زنده و حزب الله را بدنام کنند!!"

مهدی کروی در بیانیه ای اعلام کرد که ما نیک واقفیم که در جناح دیکتاتورماب تمامیت خواه چنان یاس و ناامیدی، تفرقه و تشتت و سر در گمی و عدم برنامه ریزی ای حکم فرماست که بروز چنین رفتارهای ابلهانه ای از جمله نتایج همین یاس و ناامیدی است." و ادامه میدهد که "الحق که این عده قلیل روی شعبان بی مخ ها و اوپاش درباری را سفید کردند و ورقی زرین بر کارنامه ننگین آنها افزودند. در شب های رمضان آداب شریعت را به نام ولایت منکوب کردند و روزه خود را با فحاشی افطار کردند..."

همه مردم به تجربه میدانند و دیده اند که استفاده از چماقداران و ارادل و اوپاش حرفه ای علیه مخالفین و معترضین، از روشهای اولیه و اصیل جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدنش بوده است. جمهوری اسلامی با همین نوع دستجات لمپن و چاقوکش و جنایتکار از همان سال ۵۸ بدستور شخص خمینی کمونیستها و سازمانهای اپوزیسیون را مورد حملات وحشیانه قرار داد، کتابها را به آتش کشیدند، هواداران و اعضای سازمانها را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند و بسیاری را دستگیر و زندانی کردند. حتی مردم عادی را در خیابانها مورد تعرض گسترده قرار دادند. این روش قدیمی جمهوری اسلامی است که با اعدامهای گسترده سال ۶۰ و سالهای بعد از آن ادامه یافت. از نظر ما کمونیستها بکارگیری این روشها و باندهای جنایتکار علیه مهدی کروی و هرکس دیگری محکوم است. آمهدی کروی وانمود میکند که این روشها تازه است. و همین نشان میدهد که او هنوز هم مدافع بکارگیری این روشها علیه کمونیستها و مردم است یا حداقل نقد و مخالفتی به جنایات واقعا بی شمار تاکنونی حکومت اسلامی علیه مردم و مخالفین ندارد، اما از بکارگیری اوپاش چاقوکش علیه خود و "خودپها" ناراضی است. او راست میگوید جمهوری اسلامی از سر یاس و وحشت و ناامیدی دست به این جنایات میزند. اما این وحشت بیش از هرچیز از مردمی است که سال گذشته در همین "روز قدس" در صفوف میلیونی شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور سر دادند و مترصد فرصتند که کل این ماشین جنایت را در هم کوبند. و اینهم درست است که این حکومت پراستی روی شعبان بی مخها و شکنجه گران ساواک و لمپنهای حکومت پهلوی را سفید کرده است. این حکومت به خودپهای منتقدش هم رحم نمیکند. به همین دلیل حرف مردم اساساً اینست و همین را سال گذشته در تظاهرات آنهاشان فریاد زدند که جمهوری اسلامی اساساً و تماماً باید

سرنگون شود و بند از بندش جدا شود. هیچ چیز این حکومت قابل دفاع نیست. مهدی کروی برای نجات جان خودش از دست حاکمین اسلامی هم شده باید بندنافش را کلا از حکومت و نظام اسلامی جنایتکارانه ای که خود پایه گزارش بوده جدا کند، از مردم بخاطر شرکت در پایه گذاری چنین حکومت ضد بشری ای غدرخواهی کند و پشت پرده توطئه ها و جنایات سی ساله حکومت را جلوی چشم مردم بگذارد. این يك قلم کار تنها از دست کسانی بر می آید که خود دست اندرکار این حکومت آدم خوار و آدم کش و چپاولگر سرمایه داران بوده اند.*

مطرودین جامعه

امام جمعه شیراز از طرد و انزوای دختران و پسران مذهبی شکوه میکند
یاشار سهندی

به گزارش ایسنا آیت الله "اسدالله ایمانی" نماینده خامنه ای در استان فارس و امام جمعه شیراز در مراسمی از "تنهایی دختران و پسران مذهبی" اظهار نگرانی و تاسف کرده و میگوید: "تبايد در مدارس وضع به گونه ای باشد که دانش آموز پسر و دختر مذهبی منزوی باشد." بنابه گزارش ایسنا او افزوده: "چرا وضع به گونه ای باشد که خانواده مذهبی نتواند در فضای پارک ها احساس آرامش کنند و پیوسته احساس غربت داشته باشند. يك ماه قبل نیز در نشریه "آلشارات الحسین" نشریه رسمی چماقدارانی از جنس مسعود ده نمکی، همین اظهار نگرانی با عمق بیشتری مطرح شده بود. در آنجا آمده بود که "تو گویی ما از کره دیگر آمديم و رفتن به تفرجگاهها برای ما ممنوع شده است!" چرا که در این محیط ها خودشان را کاملاً غریبه و مطرود حس میکنند. این وضعیت حزب الله است در مملکتی که "ام القرای اسلام" نامیدند و حکومتی که در آن حاکم است يك حکومت مذهبی است که هر چه از قساوت میتوان سراغ گرفت را به نمایش گذاشته تا نمونه ای باشد از "عدل علی" و "عدالت اسلامی" یا آنطور که آقا، یعنی شخص خامنه

ای که رهبر این حکومت میگوید "شعبه ای از ولایت رسول الله و اولیاء الهی" است. هم این آیت الله و هم آن بلندگوی چماقداران دارند بر حقیقتی جدی در این جامعه انگشت میگذارند. طرد دختران و پسران مذهبی یعنی حزب الهی ها از جامعه و مطرود بودن آنها نشانه فضای ضد حکومت اسلامی و ضد قوانین و سنتهای اسلامی است که در جامعه ایران موج میزند. آخوند و حزب الهی بدون محافظ جرات نمیکند پایشان را از خانه بیرون بگذارند و گرنه در بهترین حالت مضحکه خاص و عام میشوند. واین علیرغم سرکوب و بگیر و ببند و لشکر کشی و مانور و همه این جنایاتی است که هرروز علیه مردم بکار میگیرند. انزوا و طرد این "پسران و دختران مذهبی" انعکاسی از مطرود بودن کل حکومت و قوانین اسلامی در جامعه است. "حزب الله" ابزاری اصلی سرکوب مردم ایران در سی سال گذشته بوده. افرادی که در این دستجات سازمان دهی شده اند و بی رحمانه به مردم از صغیر و کبیر حمله میکنند و در خونسردی کامل فردی را به زیر ضرب و شتم میگیرند و دست به قتل آنها میزنند تحت القانات فکری امثال همین آیت الله ها بودند که یکی شان اکنون از تنهایی و منزوی بودن آنها اظهار نگرانی میکنند. این آیت الله نه از تنهایی آنها بلکه از اینکه با وجود این همه قساوت و بی رحمی و با وجود پشتیبانی يك حکومت قدار، کسی از آنها حساب نمی برد نگران است. در واقع او را وحشت برداشته که دیگر این سلاح کاربردی ندارد. احساس انزوایی که آیت الله مزبور اشاره میکند برای همه حزب الهی ها ملموس و قابل درک است. فرد حزب الهی شاهد است با وجود يك حکومت سفاک، که به کمک او

همه نشانه های انسانی را قدغن کرده است، مردم شاد هستند، رنگی هستند، موسیقی از هر خانه ای و ماشینی و موبایلی منتشر میشود. صدای اذان در میان هیاهوی مردم گم میشود. دختران و پسران دست در دست همدیگر راه میروند؛ این روزها در پارکها سر به روی شانه هم میگذارند و همدیگر را نوازش میکنند، با هم ورزش میکنند، در مقابل چشمان حیرت زده ایشان میرقصند. و هولناک تر برای ایشان برای حکومت الله به روی زمین مرگ را فریاد میزنند. او شاهد است نه آن شیخی که به عالم غیب متصل است نه حکومت امام زمان که جز کشتن راه دیگری بلد نیست، دیگر حریف این مردم نیست؛ این بماند که روز به روز مجبور است عقب نشینی کند. یقه همدیگر را در مقابل چشم مردم میگیرند و خود را رسوای عالم کردند. آقا، که به يك حزب الهی باورانده است که با خود امام زمان در تماس دائم است و فلان آیت الله (که "نشان" کرده بوده و با خود آقا امام حسین در تماس دائم بوده!) نیز تضمین داده که اولیاء الهی او را تنها نگذارد، هر چه خودش را از ته پیراهن بدر میکند که "خواص" پاچه همدیگر را نگیرند به يك روز نکشیده همدیگر را به شدت زیر سوال میبرند. اینها همه، فرد حزب الهی و بسیجی و پاسدار را بیشتر میترساند و دیگر آن نیرویی نیست که قبلاً نامش کافی بود تا بساط شادی مردم را بهم زند. نگرانی آیت الله مزبور نشان از این دارد کل حکومت نگران شده است و گر نه این نگرانی را به زیان نمی آورد، از این جهت است که این سلاح مزبور پوسیده است و دیگر کارائی ندارد. اینها همه اما به قدرت توده مردم و به نیروی انقلاب آنها ممکن شده است. انقلابی که میبرد این حکومت الله را تماماً محو کند.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

بازتاب هفته

در حاشیه هیجان نجات معدنچیان شیلیایی از اعماق زمین



بهروز مهر آبادی

تلاش برای نجات ۳۳ معدنچی شیلیایی از اعماق زمین همچنان خبر داغ و هیجان انگیز بسیاری از رسانه هاست. این معدنچیان از طریق یک لوله به سطح زمین وصلند و غذا و وسایل اولیه ای برای زنده ماندن دریافت میکنند. گفته میشود عملیات نجات آنها بیش از چهار ماه به طول خواهد کشید تا یک تونل جانبی برای نجات آنها حفر شود. روز ۴ اوت یعنی یک ماه پنج روز پیش صدای مهیب ریزش معدن طلا و مس سن خوزه خطر بروز یک فاجعه بزرگ را اعلام کرد و بدنبال آن خبر مفقود شدن دهها معدنچی در معدنی در بیابان های شمال شیلی در جهان منتشر شد. نگرانی ها بی سبب نبود. این معدن از سالها قبل خطرناک شناخته شده بود. در چند سال اخیر چندین کارگر جان خود را بر اثر نبودن ایمنی کافی از دست داده اند. عدم وجود امنیت بقدری زیاد بود که معدن در سال ۲۰۰۷ تعطیل گردید ولی از ماه مه ۲۰۰۸ دوباره شروع به تولید کرد و اتفاقی که همه نگران آن بودند افتاد. چند هفته قبل از آن ریزش و سقوط یک تخته سنگ یک معدنچی پای خود را از دست داده بود ولی صاحبان معدن مانع از تعطیلی آن شدند. بیش از دو هفته خانواده و نزدیکان معدنچیان و کارگران شیلی در اضطراب و نگرانی بسر می بردند. ۳۳ کارگر مفقود شده و از آنها هیچ خبری نبود.

روز ۲۲ آگوست خبر زنده بودن کارگران انتشار یافت. دستگاههای جستجوگر که از طریق یک کانال باریک به عمق تونل فرستاده شده بود نشانه های حیات را به بالا فرستادند. مشخص شد که کارگران بطور اتفاقی و معجزه ماندنی توانسته اند از ریزش عظیم معدن جان سالم بدر ببرند و در محفظه ای در عمق ۷۰۰ متری زمین با مختصری آب و مواد غذایی

موجود، به زندگی ادامه میدهند. خبر زنده ماندن این کارگران به سرعت در همه دنیا منتشر شد. از نقاط مختلف جهان مردم شادمانی خود را ابراز داشتند. از طریق یک لوله باریک آب، مواد غذایی، دارو و بازی های کامپیوتری برایشان فرستاده شد. از طریق یک دوربین ویدئویی تصاویر آنها منتشر شد و امکان رد و بدل شدن نامه بین آنها و خانواده هایشان فراهم گشت.

وضعیت ۳۳ معدنچی که در زیر هزاران تن طلا و مس زندانی هستند، و توجه و نگرانی مردم برای جان آنها اخبار مربوط به وضعیت این کارگران را در صدر اخبار رسانه های جهان قرار داده است که وضعیت جسمی و روحی و روشهای پیشبرد عملیات نجات را گزارش می دهند. یک همبستگی جهانی برای نجات معدنچیان شکل گرفته، مردم از سراسر جهان نگرانی خود را برای معدنچیان و حمایت خود را از خانواده های آنها اعلام کرده که

وضعیت جسمی و روحی و روشهای پیشبرد عملیات نجات آنها را مورد بررسی قرار می دهند. اما صد ها هزار کارگر معدن در شیلی این حادثه را از زاویه دیگری می نگرند که در رسانه های پر سر و صدای بین المللی به آن کمترین اشاره ای نمی شود. فقط در یک سال گذشته تعداد ۱۹۰ هزار سانحه کاری در معدن های شیلی گزارش شده است و تعداد ۴۴۳ کارگر در این سوانح جان خود را از دست داده اند. کنوانسیون ۱۷۶ سازمان جهانی کار که موضوع آن سلامتی و ایمنی در معدن است فقط توسط ۲۴ کشور امضا شده و دولت شیلی با وجود اینکه (و اگر درست تر بگوییم "بخاطر اینکه") بیشترین درآمد سرمایه داران این کشور از معدن مس و طلا تامین می شود، از امضای این کنوانسیون سر باز زده است.

کارشناسان و مهندسين به بررسی نحوه نجات کارگران محبوس پرداختند، بدون اینکه به راههای پیشگیری از این سوانح علاقه ای نشان دهند. روانشناسان و پزشکان وضعیت روانی و جسمی آنها را مورد تحقیق قرار دهند بدون اینکه نظرشان را در مورد سلامت صدها هزار کارگر معدن که سالهای متوالی در معدن به کار طاقت فرسا مشغولند، بیان کنند. هنرمندان برای این کارگران برنامه اجرا کردند بدون اینکه یادی از هزاران

کارگری که جان خود را در معدن از دست داده اند، بکنند. سازمان ناسا آمادگی خود را برای مشاورت در امر نجات اعلام کرد، بدون اینکه اظهار نظری در مورد صدها معدن در معرض ریزش بکند. کلیسا از مردم خواست برای نجات جان این معدنچیان دعا کنند ولی از کسی نخواست برای بالا رفتن حقوق این کارگران، برای بوجود آمدن ضوابط ایمنی برای معدن دعا کند و آقای پینرا رئیس جمهور در سخنرانی های متعدد و ابراز احساسات های خود برای این ۳۳ معدنچی کوچکترین اشاره ای به لزوم تعهد دولت شیلی به کنوانسیون ۱۷۶ نکرد. یکی از بندهای این کنوانسیون می گوید که در معدن باید دو راه خروج متفاوت وجود داشته باشد و عدم وجود راه خروج دوم در معدن سن خوزه موجب به خطر انداختن زندگی کارگران شد. پس از بروز این حادثه دولت شیلی کمیسویی برای بررسی ضوابط ایمنی معدن تشکیل داد بدون اینکه حتی یک نماینده از کارگران در این کمیسیون شرکت داشته باشد.

به راحتی می توان دریافت که سر و صدای رسانه ها و مقامات شیلیایی و اظهار لطف آنها به کارگران محبوس معدن سن خوزه برای سرپوش گذاشتن به وضعیت وحشتناک کارگران معدنچی شیلی و خواباندن اعتراض ها است. فقط ۱۳ درصد از کارگران شیلی عضو اتحادیه کارگران معدنکار هستند. اعتراض و شکایت از شرایط خطرناک کار به معنی از دست دادن شغل و قرار گرفتن در لیست سیاه شرکت های مالک معدن است. این شرکت ها به هر طریق ممکن تلاش می کنند از پرداخت حقوق کارگران خودداری کنند. پیش بینی شده است که نجات کارگران از اعماق معدن ممکن است تا چهار ماه به طول انجامد. کسی بدنبال مسئولین و مسببین این حادثه نرفته است ولی کنسرن سن استبان مالک معدن سن خوزه مدعی شده است که در معرض ورشکستگی قرار داشته و نمی تواند حقوق کارگران را در این مدت بپردازد. شاید مالکین معدن فکر می کنند کارگران برای تفریح و گذراندن تعطیلات و به میل خود در عمق هفتصد متری زمین و در معرض مرگ، باقی مانده اند. اما بدنبال فشار خانواده های معدنچیان و کارگران شیلی و توجه افکار عمومی مردم دنیا، دادگاه یک میلیون و چهارصد هزار دلار از اموال کنسرن سن استبان را مسدود کرد.

حادثه معدن سن خوزه از صورت یک واقعه عادی در زندگی معدنکاران شیلی در آمده است. برای کسانی که در جستجوی حقیقت بودند، این حادثه عمق فاجعه و شرایط دهشت بار کارگران معدن را به نمایش گذاشت. توجه مردم جهان به این واقعه همبستگی مردم زحمتکش و آزادیخواه جهان را نشان داد. این واقعه فرصتی برای کارگران شیلی پدید آورد تا دنیا را متوجه وضعیت وحشتناک خود کرده و خواستهای بحق خود را با صدای بلندتر اعلام نمایند. توجه کارگران و زحمتکشان جهان و حمایت آنها از معدنچیان شیلی نشان داد که چگونه و به چه سرعت یک همبستگی جهانی در حمایت از یک گروه از کارگران شکل میگیرد. تاثیر چشمگیر این همبستگی عظیم را در مبارزات کارگران کشورهای مختلف بر علیه استثمار و جنایات سرمایه داری نمی توان ندیده گرفت.*

شکافهای تازه و معضل خامنه ای

بهروز مهر آبادی

کار خامنه ای مدتی است این شده است که شکافها و اختلافات در جناح خودش را لاپوشانی کند و به این و آن عتاب و خطاب کند که ساکت باشند. اختلافات بر سر وزارت امور خارجه و انتصابات احمدی نژاد و دخالت خامنه ای صحنه تازه ای از بحران عمیق و اختلافات درون حکومت اسلامی را نشان داد. چندی قبل احمدی نژاد برای محدود کردن اختیارات متکی وزیر امور خارجه اش، چند نفر از همدستانش را بعنوان نماینده ویژه ریاست جمهوری در کشورهای مختلف منصوب کرد. اسفندیار رحیم مشائی نماینده ویژه در خاورمیانه و نمایندگان ویژه ای در امور آسیا، امور دریای خزر و نماینده ویژه ای برای افغانستان. گفته می شود که او نمایندگان ویژه ای نیز برای آفریقا و آمریکای جنوبی در نظر دارد. بدنبال این اقدام احمدی نژاد، خامنه ای روز هشتم شهریور خطاب به هیئت دولت اسلامی گفت که وزارت امور خارجه مسئول هدایت منسجم و برنامه ریزی شده همه مسائل سیاست خارجه و روابط با دیگر کشور ها است. خامنه ای خواستار خودداری از "موازی کاری" در سیاست خارجی شد. پس از موضعگیری خامنه ای ۱۲۲ نفر از نمایندگان مجلس اسلامی نامه ای به احمدی نژاد نوشته و به او تذکر

دادند که انتصاب نمایندگان ویژه در عرصه سیاست خارجی خلاف قانون اساسی است و از او خواستند از خامنه ای اطاعت کنند. این به اصطلاح موازی کاری احمدی نژاد چشمه دیگری از اختلافات و شکاف در باند خامنه ای را نشان می دهد. این اختلافات از مدتها قبل بین برادران لاریجانی که ریاست قوه قضائیه و ریاست مجلس رژیم را در دست دارند، علنی و آشکار بود. احمدی نژاد از قبول مصوبات مجلس امتناع کرد و گفته بود که مصوبات مجلس غیرقانونی و غیر شرعی است و حاضر نیست چنین قوانینی را اجرا کند. شورای نگهبان در این میان بیشتر جانب مجلس را گرفت. اما احمدی نژاد به شورای نگهبان هم وقعی نگذاشت. عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان گفت: برای اجرای قوانین مصوب مجلس توسط دولت فقط باید دعا کنیم چون کار دیگری از دست ما بر نمی آید! روزنامه های کیهان و رسالت به احمدی نژاد هشدار دادند و احمدی نژاد در صحبتهايش به روزنامه کیهان حمله کرد. در این میان خامنه ای بعنوان رهبر نظام تلاش کرده است که میانه دعوای را بگیرد و سر و صدا ها را بخواباند. او چند روز قبل مقامات کشور را "از سخنانی که می تواند باعث معلوم شدن اختلاف نظرات داخلی شود"، بشدت نهی کرد. اما آنطور که معلوم است کسی برای رهبر هم تره خرد نمی کند. دعوای ادامه دارد. بی اعتنائی احمدی نژاد به نظر خامنه ای در مورد وزارت امور خارجه او را در مقابل خامنه ای قرار داده است.

جناح قدرتمند حکومت اسلامی شکاف برداشته است. بحران عمیق اقتصادی و سیاسی رژیم را در بر گرفته است. خشم و انزجار مردم از حکومت مانند کوه آتشفشانی است که هر لحظه ممکن است با قدرتی بیشتر بیرون بریزد. هیچ کدام از ارگانهای حکومتی یکدیگر را قبول ندارند. هر کدام از باندهای نظام دستجات اوپاش و اهرم های اجرایی خودش را دارد و بجز غارت و چپاول هر چه بیشتر برنامه دیگری در دستور کارشان نیست. قیمت اجناس هر روز بالاتر می رود و ابعاد فقر و فلاکت هر ساعت گسترده تر می شود. این شرایط تا چه مدتی می تواند دوام داشته باشد؟ سرنگونی و فروپاشی چنین حکومتی در مقابل اولین تهاجم قدرتمند مردم نمی تواند جای هیچ تعجبی داشته باشد.*

به استقبال اول مهر برویم

از صفحه ۱



شهلا دانشفر

جانانه ای را علیه این رژیم پشت سر گذاشته اند و همواره مترصد فرصتی هستند تا به خیابان بیایند و مرگ بر دیکتاتور سر دهند. باید به استقبال روزهای پر تلاطم، این روزهای اعتراض گسترده و سراسری برویم. از هم اکنون باید بیانه ها و قطعنامه های خود را به مناسبت بازگشایی دانشگاهها منتشر کنیم. بیانه هایی که خواست کوتاه شدن دست حراست و کمیته های انضباطی از دانشگاهها، آزادی فوری دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان، جدایی مذهب از آموزش و تحصیل، آموزش رایگان، لغو تبعیض جنسیتی و ممنوعیت جداسازی دانشجویان دختر و پسر، لغو حجاب اجباری را مورد تاکید قرار میدهد. بیانه هایی که برابری زن و مرد، آزادی بدون قید و شرط سیاسی، لغو مجازات اعدام و انسانیت را فریاد میزنند. علیه سنگسار و اعدام می ایستد و خواهان متوقف شدن احکام جنایتکارانه سنگسار و اعدام است. و همین امروز به صف بین المللی اعتراض علیه سنگسار سکنه محمدی که امروز به سبیل اعتراض علیه جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی تبدیل شده است، تاکید کنیم.

اما این تنها دانشگاه نیست که کانون جوشش و اعتراض است. نیروی میلیونی معلمان نیز در راهست. با شروع سال جدید میلیونها معلم نیز در مدارس گرد می آیند. نیروی معلمان در کنار اعتراضات دانشجویان و اعتراضات هر روزه مردم، فضای سیاسی جامعه را میتوان بکلی عوض کند. از همین رو شروع سال تحصیلی جدید، آنهم در اوضاع ملتهب سیاسی کنونی خود یک اتفاق سیاسی مهم است و همه توجه جامعه را به خود جلب کرده است.

معلمان سالهاست که برای خواستههایشان مبارزه میکنند.

هراس مقامات حکومت را هم میتوان دید، وزیر آموزش عالی کشور از هم اکنون شمشیرش را کشیده است و میگوید دانشگاهی که در آن مقررات اسلامی حاکم نباشد و صدای اذان بلند نشود باید با خاک یکسان کرد. اینها خوب میدانند از چه سخن میگویند. از دانشگاه این سنگر آزادی و مبارزه دارند سخن میگویند. میدانند که فضای دانشگاهها چگونه است و زمره های اعتراض بگوششان رسیده است. معلمان نیز با تجمعات همین مدت خود در برابر مجلس به استقبال اول مهر رفته اند. ۱۲۰ هزار معلم حق التدریسی خواهان استخدام رسمی خود هستند. دولت قران خوانی را جزو مباحث آزمون استخدامی گذاشته است و معلمان معترضند. خواست استخدام این معلمان یکی از خواسته های اعتراضات تا کنونی معلمان بوده است. تازه اینها تمام تصویر نیستند. دانش آموزان به مدرسه میروند. در این میان خانواده های بسیاری هستند که توان فرستادن فرزندان را به مدرسه ندارند. و معلوم نیست باز چه تعداد دیگر دانش آموز از تحصیل محروم خواهند ماند. چه تعداد دیگر کودک بر کودکان کار و خیابان اضافه خواهد شد. خصوصاً اینکه امسال بازگشایی مدارس، اول مهر مصادف است با اجرایی کردن طرح یارانه هایشان و از هم اکنون قیمت ها چندین برابر افزایش یافته است. و دارند از افزایش قیمت برق و شوکه شدن مردم تهران و افزایش هزینه ترانسپورت و اعتراض ایستگاههای اتوبوس بر سر این موضوع و شدت گرفتن اعتراضات مردم بر سر گرانی سخن میگویند. خوب این میلیونها خانواده ای که بچه هایشان را به مدرسه میفرستند با این گرانی و هزینه تحصیل فرزندان شان چه میکنند؟

بنابراین کل این تصویر را کنار هم بگذارید به روشنی میتوان دید امسال شروع مدارس و دانشگاهها نسبت به هر سال متفاوت است. خصوصاً مردم یکسال اعتراضات

استقبال از برنامه های ...

از صفحه ۱

این جالب بود که بلافاصله بعد از راه افتادن برنامه های زنده انگار مردم مدتها پشت در انتظار کشیده اند، تلفن زدن شروع شد. برایم جالب بود که اینهمه مردم از مناطق مختلف چگونه این کانال را که طول موجش عوض شده و زمان پخشش کوتاه شده است، پیدا کرده اند. چه کسی به همه خبر داده است. احساسی که این چند روزه از بینندگان داشتم این بود که بخش تازه ای از بینندگان دارند تماس میگیرند. سوالات نسبت به سال گذشته متفاوت است. رهنمودهای عملی تری میخواهند. فشار گرانی و فلاکت را میشد از خشم و عصبانیت و بعضاً استیصال آنها لمس کرد. شمار زنانی که با شور و حرارت اعتراض میکنند و مردم را خطاب قرار میدهند افزایش یافته است.

واقعیت اینست که کانال جدید یک فاکتور مهم مورد نیاز در اوضاع سیاسی ایران است. یک اهرم متحد کننده و خط دهنده و امید دهنده است. هجوم مردم به سوی تلفنها و حرف زدن و درد دل کردن و سوال کردنها دارد این را بیان میکند که کارگران و مردم عمیقاً به چنین

اخباری از اعتراضات ...

از صفحه ۳

به کارگران و خانواده های آنان ماحصل حکومت سیاه سرمایه داران است. این وضعیت فلاکتبار به هیچ وجه قابل تحمل نیست. زندگی خانواده های کارگری مداوماً دستخوش یورش بیرحمانه و شرم آور سرمایه داران است. جمهوری اسلامی حکومت گرسنگی و دریدری حمران و سیه روزی است. تا این هیولای خونخوار در قدرت باقی است زندگی کارگران از هیچ امنیت برخوردار نیست. چاره کار در اتحاد سراسری و اعتراض همگانی به حکومتی است که مسبب وعامل بقای تمامی مصائبی است که گریبانگیر کارگران است. دستمزدهای پرداخت نشده، یک معضل سراسری و اجتماعی است. با

خواستهایی که رفع تبعیض و داشتن یک زندگی انسانی محور اصلیش بوده است. اما تا کنون به هیچ خواستشان پاسخ داده نشده است و هر روز در تنگنای بیشتری قرار گرفته اند. امروز بهترین فرصت است که معلمان با اعلام خواستههایشان بصورت قطعنامه و بیانه و پخش آن در تمام مناطق آموزش و پرورش و در همه شهرها سال جدید تحصیلی را آغاز کنند. اعلام کنند که تشکل، اعتصاب، تجمع حقوق مسلم و پایه ای آنهاست و تشکل خود را برپا کنند. اعلام کنند که دستمزد شان در گام نخست نباید کمتر از یک میلیون تومان باشد. اعلام کنند که خواهان تسهیلات لازم برای تامین مسکن هستند. اعلام کنند که خواهان بهداشت و درمان رایگان هستند. خواهان آزادی فوری رسول بدایعی، علیرضا قنبری و همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شوند. خواهان بازگشت به کار معلمانی باشند که به خاطر مبارزاتشان تبعید و یا از کار اخراج شده اند و با اعلام این خواستهها در واقع پاسخ سازشکاری های کانون صنفی معلمان و هر تشکل دیگری که به اسم آنان سخن میگوید و مانع پیشروی مبارزاتشان هستند، را بدهند. و دست به کار ایجاد تشکل واقعی خود شوند. تشکلی که خواسته های اعتراضی معلمان را نمایندگی میکند.

جنبه دیگر شروع سال تحصیلی همانطور که در بالاتر اشاره کردم، میلیونها مردمی هستند که برای فرستادن فرزندان شان به مدرسه هم اکنون در تنگنا و فشار هستند. باید با صدای بلند اعلام کنیم که جای فرزندان ما مدرسه است نه خیابان. ما زیر بار این گرانی نمی رویم. تحصیل باید رایگان باشد و قرانی بابت تحصیل فرزندانمان نمی پردازیم. دست فرزندانمان را بگیریم و همه با هم اعلام کنیم که اگر فرزندان ما را به مدرسه راه ندهید مقابلتان می ایستیم. در محلات با هم متحد شویم و این جنبش اعتراضی را به راه اندازیم.

اول مهر و شروع سال تحصیلی را به دور جدیدی از اعتراضات گسترده و سراسری خود تبدیل کنیم

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰

۵/۶ : FEC، پلاریزاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران

در شبکه KBC ببینید.

اساسی سوسیالیسم انسان است

عکس هایی از شرکت فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران در تظاهرات لیبر دی در کانادا:



آخرین خبر از رضا شهابی

درد گردن در دوره مرخصی پزشکی اش بود که توسط مأمورین اطلاعاتی جمهوری اسلامی ربوده شد و بدلیل ناتمام ماندن دوره معالجه اش و سه ماه بازداشت در بند ۲۰۹ اوین، دچار مشکلات جسمی دیگری چون درد کمر، دست و ناراحتی گوارش شده است.

روز پنجشنبه ۱۱ شهریور خانواده رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد، توانستند با او ملاقات داشته باشند. رضا شهابی از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است و حکم بازداشت او دو ماه تمدید شده است. رضا شهابی از نظر جسمی در وضعیت بدی به سر میبرد. او بخاطر

راهپیمایی روز کارگر در کانادا، فرصتی برای جلب همبستگی کارگران کانادا با کارگران زندانی در ایران

کارگران زندانی است. بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای کارگران زندانی و فعالین سیاسی باید فوراً لغو و احضار و تهدید آنان متوقف شود. با کمپین برای آزادی کارگران زندانی همکاری کنید. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۶ شهریور ۱۳۸۹ - ۷ سپتامبر ۲۰۱۰

راهپیمایی این روز در شهر تورنتو شرکت کردند. همچنین دو اتوموبیل که بر روی آن برتراهی از حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق و پوستر کارگران نصب شده بود، صف تظاهرات را همراهی میکرد. در انتهای تظاهرات این فعالین با شعار مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم، و با پوسترهایی که در دست داشتند توجه جمعیت را به خود جلب کردند.

جلب همبستگی جهانی کارگری
یک بخش مهم کمپین برای آزادی

روز دوشنبه ۶ سپتامبر، ۱۶ شهریور روز کارگر در کانادا بود. روز کارگر در کشور کانادا هر ساله در اولین دوشنبه ماه سپتامبر جشن گرفته میشود. فعالین "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" نیز در این روز با پلاکاردهایی با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، به همراه عکس هایی از کارگران زندانی در ایران و همچنین پلاکاردی با شعار احمدی نژاد را به سازمان ملل راه ندهید، سکینه محمدی آشتیانی را آزاد کنید، جان شیوا نظر آهاری در خطر است در

به "علیرضا سعیدی" و "بهروز ملازاده" دو کارگر کارخانه کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، یکسال حکم زندان داده شد

اخراجی، فریدون نیکوفر، علی نجاتی، محمد حیدری پور، جلیل احمدی قربان علی پور، رضا رخشان رهبران سندیکای خود و بازگشت آنها به سرکارشان شوند. داشتن تشکل و حق اعتصاب، آزادی بیان و عقیده، حقوق اولیه و پایه ای کارگران و کل جامعه است. همه کارگران زندانی، همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ شهریور ۱۳۸۹ - ۲ سپتامبر ۲۰۱۰

صدور حکم زندان برای علیرضا سعیدی و بهروز ملازاده جزئی از سیاست تعرض به کارگران و مردمی است که فریاد مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور را در صفوف میلیونی سر داده اند و میخواهند از شر این جانیان خلاص شوند. صدور حکم زندان برای این دو کارگر را باید شدیداً محکوم کرد. انتظار می رود که کارگران نیشکر هفت تپه همانند همیشه با اتحاد خود و با اعلام اولتیماتوم به اعتصاب خواهان لغو فوری این احکام، بسته شدن پرونده های تشکیل شده قضایی برای ۶ کارگر

"علیرضا سعیدی" و "بهروز ملازاده" دو فعال کارگری در کارخانه نیشکر هفت تپه هستند. دی ماه گذشته بود که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی آنها را دستگیر و بعد از صدور وثیقه ۷۰ میلیون تومانی از زندان آزاد کرد. اکنون این دو کارگر از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در دزفول به اتهام "توهین به رهبری" به یک سال زندان محکوم شده اند. گفته میشود علت صدور چنین حکمی برای این کارگران، وجود کلیپی طنزآمیز در تلفن همراه آنان بوده است.

دو هفته از تعیین ۱۰۰ میلیون وثیقه برای آزادی بهنام ابراهیم زاده میگذرد و او همچنان در زندان است

برای کارگران زندانی و فعالین سیاسی باید فوراً لغو و احضار و تهدید آنان متوقف شود. با کمپین برای آزادی کارگران زندانی همکاری کنید. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر

0044-77798 98968
Shahla_Daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com

بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده

۱۶ شهریور ۱۳۸۹ - ۷ سپتامبر ۲۰۱۰

که خودشان آنها را خبر خواهند کرد. خانواده او که ناگزیرند هر بار با صرف هزینه زیاد به تهران بروند اکنون به شهر خود بازگشته و منتظر خبر از عزیز خود هستند. روز گذشته ۱۵ شهریور بهنام از زندان با خانواده خود تماس گرفت و گفت که پرونده او به دادگاه تجدید نظر رفته است. این خبر خانواده وی را بیشتر نگران کرده است و وضعیت بهنام را نامعلوم کرده است.

بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده

روز ۸ شهریور بود که بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودکان از زندان اوین بند ۲۰۹ با خانواده خود تماس گرفت و اطلاع داد که در قبال آزادی وی وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. از آن روز دو هفته میگذرد ولی با وجود اینکه خانواده وی وثیقه را آماده کرده اند، بهنام هنوز در زندان است. خانواده بهنام پنجشنبه ۱۱ شهریور با او ملاقات داشتند و متوجه شدند که پای بهنام در گج است. در این مدت خانواده وی هر روز مراجعه کرده اند، اما مرتباً آنها را سردوانده و مورد توهین قرار داده اند. به خانواده بهنام گفته شده است،

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

زندان سیاسی آزاد باید گردد!



زندگی افزایش یابد. هیچ معلمی نباید برای تامین معاش مجبور به داشتن کار دوم باشد. حداقل حقوق در شرایط کنونی نباید کمتر از یک میلیون تومان باشد.

- کلیه معلمان زندانی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و امکان بازگشت به کار خود را همراه با تمام حقوق و مزایای دوره ای که در زندان بوده اند، داشته باشند.

. معلمان باید از آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکّل برخوردار باشند.

- دست مذهب باید از آموزش و پرورش کوتاه شود، نهادهای سرکوب و مذهبی در مدارس منحل شوند و یک نظام آموزشی سکولار جایگزین تحجر مذهبی حاکم بر مدارس کشور شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ شهریور ۱۳۸۹، ۲ سپتامبر ۲۰۱۰

رعب و وحشت و اسلامیزه کردن بیشتر فضای مدارس مانع بروز حرکات اعتراضی از جانب معلمان و دانش آموزان شود.

اعتراضات و خواست های معلمان قراردادی و کل معلمان در سراسر کشور باید مورد حمایت وسیع همه شما قرار گیرد. رژیم درمانده تر از آن است که بتواند در مقابل اتحاد شما مقاومت کند و با گسترش مبارزه ناچار به عقب نشینی خواهد شد. حزب کمونیست کارگری از مبارزات و خواسته های معلمان قراردادی و کلیه معلمان قاطعانه پشتیبانی می کند و از همه شما می خواهد یکپارچه از خواسته های زیر حمایت کنید:

. تمام معلمان قراردادی و شرکتی باید استخدام رسمی شوند و از حقوق برابر با سایر معلمان و از امنیت شغلی برخوردار شوند.

- کلیه معلمان اخراجی باید به سر کارهای خود برگردند.

. حقوق معلمان باید با توجه با بالارفتن سرسام آور هزینه های

تعرض جمهوری اسلامی به حقوق معلمان موقوف!

پرورش داشته اند. دولت بدون توجه به سابقه کار آنها اعلام کرده که آنها حق ادامه کار ندارند و وزیر لپمن آموزش پرورش با توهین به این معلمان زحمتکش و گفتن اینکه: "آموزش و پرورش میدان تره بار نیست که از خیابان معلم جذب کنیم"، چهره کثیف خود را بیش از پیش آشکار نموده است.

بیش از یک میلیون معلم در بدترین شرایط اقتصادی به سر می برند. بسیاری از آنها شغل های دوم و سوم دارند تا بتوانند هزینه سرسام آور زندگی و حداقل امکانات برای ادامه حیات خود و خانواده خود را تامین کنند. پس از اعتراضات پرشور معلمان در سالهای ۸۵ و ۸۶ تعداد زیادی از معلمان اخراج شده و تعداد زیادی از رهبران اعتراضات معلمان زندانی شدند. جمهوری اسلامی در مقابل معلمان، همانند سایر گروه های مردم، شمشیر را از رو بسته و حمله به معیشت و امنیت اجتماعی آنها را تشدید نموده است تا به خیال خود بحران عمیق اقتصادی اش را کاهش دهد. از سوی دیگر تلاش میکند با ایجاد فضای

شدند. روز ۷ شهریور ۵۰ نفر از معلمان استانیهای مختلف به نمایندگی از طرف ۱۲۰ هزار معلم قراردادی در سراسر کشور، در مقابل ساختمان مجلس تجمع کرده و خواست توقف اخراج معلمان و استخدام دائم آنها را مطرح کردند. معلمان قراردادی همواره در معرض بیشترین تهدیدها و فشارهای جمهوری اسلامی بوده اند. در ابتدای استخدام، دولت از آنها تعهد گرفته است که در صورت اخراج، اعتراض نکنند. ترس از اخراج باعث شده که این معلمان به کمترین حقوق و سخت ترین شرایط تن در دهند. پرداخت حقوقهای آنها بارها به تعویق افتاده است. در اردیبهشت ماه گذشته دولت دست به محدود کردن بیمه و خدمات درمانی آنها زد. علاوه بر معلمان قراردادی، نزدیک به ۲۴ هزار نفر از معلمان شرکتی نیز کار خود را از دست داده و از هرگونه حقوقی محروم شده اند. بخشی از دستمزد ناچیز این معلمان به جیب صاحبان شرکت های دلالی رفته است که از طریق مناقصه، قرارداد تامین معلم برای آموزش و

جمهوری اسلامی دست به تعرض گسترده ای به حقوق ناچیز معلمان زده است. بیش از ۱۲۰ هزار معلم قراردادی در معرض بیکار شدن هستند. وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده است که این معلمان نمی توانند به کار خود ادامه دهند. آموزش و پرورش شرط ادامه کار و استخدام این معلمان را انجام آزمون و مورد تأیید قرار گرفتن پس از نتایج عقاید آنها دانسته است. حمید رضا حاج بابائی وزیر آموزش و پرورش حکومت اسلامی "تسلط بر روحانی قرآن" را شرط استخدام معلمان در آموزش و پرورش اعلام کرده است. اکثریت این معلمان چندین سال سابقه کار دارند و پس از گذراندن مراحل گزینش و مصاحبه به صورت قراردادی استخدام شده اند.

در مقابل این تعرض، روز ۳۱ مرداد تعدادی از معلمان قراردادی یک تجمع اعتراضی در مقابل مجلس اسلامی برگزار کردند. روز سوم شهریور دهها تن از زنان معلم از شهرهای شاهرود، آمل، بابل، قائمشهر و نظرآباد در مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار استخدام خود

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

Germany Rosa Mai Konto, Nr.: 583657502
Post Bank Bankleitzahl: 37010050

Dixie Rd, Mississauga 4900: Canada ICRC Scotiabank
L4W 2R1 Account #: 84392 00269 13

Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248 هلند:

Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

G street, Blaine WA 98230 277 Bank of America Blaine Branch آمریکا:

ph: 1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 NWBK GB 2L BIC:

سوآلی دارید میتونید با شماره های زیر تماس

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

بگیرید: از اروپا:

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

از ایران:

رضا شهابی زیر فشار بیماری در زندان جمهوری اسلامی

توسط بازجوهای وزارت اطلاعات را پنبیورد. اما رضا شهابی زیر بار این فشارها نرفته و رد اتهامات وارد شده به وی، باعث فشار بیشتر به او شده است. جرم رضا شهابی شرکت در اعتصابات باشکوه کارگران واحد در سال ۸۴ و شرکت در تشکیل سندیکای واحد است. جرم رضا شهابی اعتراض او برای داشتن یک زندگی انسانی و دفاع از حق و حقوق کارگران است. جرمی که هم اکنون منصور اسانلو، ابراهیم مددی و عضو دیگر هیات مدیره سندیکای واحد بخاطرش در زندانند و بهنام ابراهیم زاده فعال دیگر کارگری بخاطر آن بیش از سه ماه است که در زندان بسر میبرد. رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

با کمپین برای آزادی کارگران زندانی همکاری کنید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۸ شهریور ۱۳۸۹ - ۹ سپتامبر ۲۰۱۰

رضا شهابی از فعالین کارگری سرشناس و اعضای هیات مدیره سندیکای واحد از تاریخ ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است. او در بند ۲۰۹ اولین زندانی است و از نظر جسمی در شرایط بسیار وخیمی بسر میبرد. رضا شهابی در دوره ای که مرخصی پزشکی داشت توسط نیروهای اطلاعات رژیم دستگیر شد و اکنون علاوه بر درد شدید گردن، از درد دست و ناراحتی گوارشی رنج میبرد و جلادن جمهوری اسلامی نه تنها هیچگونه امکانی برای مراقبت پزشکی برای وی فراهم نکرده اند، بلکه زیر فشار مستمر در زندان وضعیت او بدتر شده است و برای درمان تنها قرض های معمول مسکن در اختیارش میگذارند. رضا شهابی در تماس کوتاهی که در ۲۴ مرداد با خانواده خود داشت، اطلاع داده بود که جنبایتکاران جمهوری اسلامی دو ماه دیگر بازداشت وی را تمديد کرده اند. او یک ماه تمام زیر بازجویی ممتد قرار داشت و اکنون برای اعمال فشار روحی به وی گفته اند که باید اتهامات وارد شده

"هدفمند کردن یارانه ها"، اهداف و جهت گیریها!

محمد شکوهی



با گذشت نزدیک به یک سال از تصویب طرح "هدفمند کردن یارانه ها" دولت اعلام کرده است که در نظر دارد طرح "پرداخت یارانه نقدی" را از اوایل مهرماه امسال به اجرا بگذارد. بنابراین ادعای حکومت همه شرایط برای اجرای طرح پرداخت یارانه ها آماده می باشد. اطلاعات اقتصادی خانوارها تهیه شده، حساب های دریافت ماهیانه یارانه ها باز شده و قرار است از اول مهر ماه بیش از ۵۰ میلیون نفر یارانه نقدی دریافت کنند. و دست آخر هم دولت اعلام کرده که اجرای این طرح بزرگترین "جراحی اقتصادی" بوده و در جهت سیاستهای مربوط به "سند چشم انداز رشد و توسعه" بوده و موانع راه رشد اقتصادی را بر طرف خواهد کرد. اینکه این ادعای حکومت و هواداران این طرح تا چه اندازه با اقتصاد رهم ریخته حکومت انطباق دارد، جای شک و تردید زیادی است. این ادعا که اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها اقتصاد بحران زده و بیمار رژیم را نجات خواهد داد، قدرت خزید مردم را بالا خواهد برد، ادعایی مضحک و بی اساس است. پائین تر به آن خواهیم پرداخت.

در باره جوانب مختلف این "جراحی اقتصادی" دولت بد نیست به سابقه، اهداف و سیاستهای پشت سر این طرح، و نقش و جایگاه این طرح برای خروج از بحران اقتصادی حکومت اشاره ای بشود. اینکه اهداف و سیاستها، جهت گیریهای دولت از اجرای این طرح چه بوده و قرار است چه چیزی اصلاح و "سرچایش" قرار بگیرد، آثار و عوارض و عواقب اجرای این طرح متوجه چه بخش از جامعه بوده، گرانی و قیمتتها و بر سر کالاهای اساسی چه خواهد آمد، و بالاخره فقر و فلاکت اقتصادی و... پرداخته شود.

حذف یارانه ها سیاست قدیمی حکومت

برای روشنتر شدن این سیاست حکومت باید کمی به عقب برگشت. بویژه سال های بعد از پایان جنگ

مردم و کارگران روبرو شده و با وضعیتی که حکومت دارد، این موضوع می تواند یک تهدید برای دولت اصلاحات باشد. در نتیجه اصلاح طلبان حکومتی هم مجبور شدند فعلا اهمیت را به "توسعه سیاسی" داده و موقعیت خودشان را محکم نمایند. اما این به معنای آن نبود که دولت سیاست آزاد کردن قیمت ها و حذف یارانه ها را از سر بیرون کرده. بلکه برعکس در جاهایی که می توانستند و خطر کمتری متوجه حکومت بود، اقدام به زدن یارانه ها کردند. برای نمونه مسکن، دارو و درمان. این ها بخش هایی بودند که به مرور دولت موفق شد سیاستهایش را اعمال بکند. اما بخش عمده یارانه ها که بنابر ادعای دولت صرف حمایت از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم بود، بنابر "مصلحت نظام" ناچارا کمافی سابق ادامه داشت و دولت از ترس گسترش اعتراضات مردم دست به یک عقب نشینی بی سر و صدا زد. این هم یک عقب نشینی نوع اسلامی حکومت در برابر خطر گسترش اعتراضات و مبارزات بر علیه سیاستهای اقتصادی دولت بود. حکومت متوجه شده بود که اوضاع خطری است و فعلا باید دست نگه دارد.

طرح جراحی اقتصادی دولت احمدی نژاد

اما جمهوری اسلامی با مواجه شدن با فلج فزاینده اقتصادی در فکر این بود که هرطور شده سیاست حذف یارانه ها را به پیش برد و این را گامی برای گشایش سرمایه گذاری بین المللی و رسیدن خونی به رگهای اقتصاد محتضرش میدید. با این جهت گیری بود که حکومت احمدی نژاد و یک باند چاقوکشان و قاتلین نظیر پور محمدی و اژه ای و صفار هرنی و سپاه پاسداران را به راس حکومت کشیدند تا با ایجاد فضایی از سرکوب و رعب بتوانند در عین حال سیاست ریاضت اقتصادی یا جراحی اقتصادی را پیاده کنند. از تیرماه سال ۱۳۸۴ که دولت احمدی نژاد بر سر کار آورده شد، در کنار تقویت دم و دستگاه سرکوبگر رژیم برای حفظ و بقای نظام، بحث رشد و توسعه اقتصادی و مقابله با بحرانها آن هم در شرایط گسترش

تحریم ها بر علیه جمهوری اسلامی تبدیل به اولویت جدی حکومت گشت. بنابر اعتراف خود سران حکومت بعد از گذشت بیش از سه دهه اولین بار است که سرو سامان دادن به اقتصاد بحران زده حکومت و پیدا کردن راه حل های بیرون رفت از این وضعیت در دستور دولت قرار می گیرد. اینکه الگوهای توسعه و سیاستهای اقتصادی تا چه اندازه موفق خواهند شد، خود بحث دیگری است.

در همین راستا با سازماندهی سمینارهای دولتی و با دعوت از اقتصاددانان حکومتی و خارج حکومت و بحث و بررسی موانع رشد و توسعه و پیدا کردن راه حلهاست که بحث روی موانع متمرکز شده و دولت مدعی است که یکی از موانع اصلی رشد و توسعه کشور اقتصاد دولتی، دخالت دولت در همه عرصه های اقتصادی و بویژه موضوع یارانه ها و دخالت دولت در کنترل بازار قیمتتها می باشد. با ارائه آمار و ارقام توسط ارگانه های مختلف حکومتی مدعی شده اند که اقتصاد سوسیالستی، یا اقتصاد کوپنی، مانع اصلی خلاقیت های اقتصادی و عدم "رشد متوازن" اقتصاد می باشد. به همین خاطر و در ادامه این جهت گیریهاست که بحث "هدفمند کردن یارانه ها" از دوسال پیش در دستور حکومت قرار گرفت. جزئیات این طرح و سیاستهای ناظر بر آن و اهداف و جهت گیریهای آن بالاخره در مهر ماه سال ۱۳۸۸ در مجلس تصویب و به شورای نگهبان ارسال شد. تا آنجایی که موانع حقوقی و قانونی این طرح بر می گردد، همه موانع برطرف شده و دولت باید هدفمند کردن یارانه ها را آغاز نماید.

با تصویب و اعلام اجرای این سیاست جنگ و دعواهای باندهای حکومتی هم تشدید شده است. مخالفان و موافقان این طرح مدت نزدیک به دوسال است که بر علیه همدیگر شاخ و شانه می کشند. خودشان ضمن تاکید بر اجرای این طرح، از نگرانی های شان گفته و خطر شورش گرسنگان را به همدیگر یاد آور می شوند. اما دست آخر ظاهرا مجاب شده اند که این طرح باید اجرا بشود. به همین خاطر همه منتظر اعلام تاریخ به اجرا گذاشته

شدن این سیاست می باشند. در همین رابطه دولت بارها تاریخهایی را برای اجرای این طرح اعلام کرده که هیچکدام عملی نشده است. دولت دلیل تاخیر در اجرای هدفمند کردن یارانه ها را اختلاف بین مجلس و سایر باندهای حکومتی در باره نحوه تامین اعتبارات مالی برای به اجرا گذاشتن این طرح اعلام کرده و تمام تلاشش را برای قبولاندن نحوه و میزان زدن یارانه ها در سال اول به میزان ۴۰ هزار میلیارد تومان متمرکز کرده است. مجلس با ۲۰ هزار میلیارد تومان در سال اول موافقت کرده است. در ادامه همین کشمکش های باندهای حکومتی برای میزان قطع یارانه ها بود که بحث یارانه انرژی و سوخت باز شد. حکومت مدعی است بیشترین یارانه به بنزین و سوخت مورد نیاز مردم داده می شود، که "ارزش اقتصادی" ندارد. به عبارتی سودمند نبوده و سود برای دولت به بار نمی آورد. در نتیجه اینجا باید بزرگترین طرح و نقشه برای زدن سوسیپدها و یارانه ها برای این بخش به اجرا در آید. برای همین منظور مجلس رژیم هم دست دولت و "کمیسون هدفمند کردن یارانه ها" را در تهیه طرح در این مورد باز گذاشته و به دولت این اختیار را داده که از محل در آمد حاصل از هدفمند کردن یارانه سوخت، پرداخت یارانه به اqtشار کم درآمد جامعه را سازمان بدهد. اینجاست که بحث انرژی و یارانه های سوخت مطرح شده و باندهای حکومتی وارد عرصه شده اند. بعد از مدتها بحث و بررسی نتیجه این شد که دولت از محل در آمد حاصل از حذف یارانه های حامل های انرژی برای تامین اعتبار پرداخت یارانه نقدی به مردم می تواند استفاده بکند. در همین راستا دوباره آمار و ارقامهای دولتی دستکاری شد. مصرف انرژی و یارانه های کلان اختصاص داده شده به این بخش وارد صحنه شده و به قول خودشان ثابت کردند که باید از اینجا شروع کرد و یارانه های بخش انرژی را هدفمند کرد. چرا که بیشترین مانع همینجاست! و بیشترین یارانه به این بخش اختصاص داده شده که نه فقط

“هدفمند کردن یارانه ها”...

از صفحه ۹

سود آور نبوده و درآمدی برای دولت نداشته، بلکه دولت مجبور با تقبل هزینه های بزرگی شده است که ادامه این وضعیت به ضرر دولت بوده و باید سریعاً دست به کار شد و تکلیف یارانه های بخش انرژی را روشن کرد.

قطع یارانه های انرژی اولین گام

اما یارانه ویا حامل های انرژی چه می باشند؟ قرار است به نفع چه کسی و به ضرر کدام قشر تمام بشود؟ دولت مدعی است مصرف انرژی بالاست. قیمت تمام شده سوخت از قیمت عرضه آن در بازار بیشتر است. مصرف خودروهایی شخصی دومین رقم بزرگ مصرف بنزین کشوری باشد. حمل و نقل عمومی، رشته خدمات و بیمارستانها و... به دلیل مصرف بیشتر بنزین و انرژی در سایر بخش های “غیر اقتصادی” علی العموم با کمبود مواد سوختی مواجه بوده در نتیجه امکان ارائه خدمات بیشتر را ندارند. صنایع، کارخانجات و واحدهای تولیدی با کمبود انرژی برای ادامه کاری مواجه می باشند. با این توجیهات دولت و مشاورانش در صدد هدفمند کردن یارانه های اختصاص داده شده به انرژی برآمده اند. بخش بزرگی از لایحه هدفمند کردن یارانه ها به انرژی اختصاص داده شده است. در همین رابطه خود طرح می گوید: “طبق ماده یک این لایحه (لایحه) هدفمند کردن یارانه ها)، دولت مکلف است قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت را به تدریج و حداکثر تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی معادل حداقل هفتاد و پنج درصد متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی می شود. میانگین قیمت فروش داخلی برق هم به گونه ای تعیین می گردد که به تدریج و حداکثر تا پایان برنامه پنجم ساله پنجم توسعه معادل قیمت تمام شده آن باشد. درخصوص قیمت

میلیون لیتر بنزین، لیتری ۱۰۰ تومان برای مصرف داخل نیاز دارند. بعد از اجرای طرح هدفمند کردن قیمت بنزین در خوش بینانه ترین شکل بالای ۴۰۰ تومان خواهد رفت. حالا حساب کنید چقدر درآمد فقط از این طریق نصیب دولت می شود. قیمت سایر مواد سوختی نظیر نفت مایع، گاز و تولیدات مشتق از نفت به همراه برق و آب نیز یارانه هایش زده می شود. رژیم ادعا می کند که قیمت این مواد سوختی پائین تر از قیمت خرید و تولید آن است. از نظر اقتصادی قیمت عرضه اینها با قیمت های جاری فعلی فقط ضرر داده و “اقتصادی” نیست! که باید هدفمند بشود. بی دلیل نیست که طراحان و مجریان حکومت دزدان و قاتلان در هدفمند کردن یارانه ها، مواد سوختی را زیر ضرب گرفته اند. در باره حذف یارانه های سایر کالاهای اساسی مورد مصرف مردم هم طرح دارند. از جمله آرد، نان، برنج، شکر، قند و چایی و اقلام دیگری که مشغول تهیه طرح و جدول قیمت برای این کالا ها می باشند.

بدین ترتیب طرح هدفمند کردن یارانه ها به معنای آزاد گذاشتن قیمتها، افزایش سرسام آور قیمتها، گرانی بیشتر و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کارگران و مردم فقیر جامعه و به نفع دولت و سیاست های اقتصادی اش برای تامین هزینه های حکومت و راه اندازی اقتصاد ورشکسته و بحران زده اش می باشد. آزاد گذاشتن دست بازار و واسطه ها، سپردن تعیین قیمت کالاهای مورد نیاز مردم به دست بازار، عدم دخالت دولت در کنترل تورم و گرانی، در یک کلام رانده شدن بخش اعظم مزد بگیران به فقر و فلاکت و گرانی بیشتر می باشد. این ادعای بی شرمانه دولت که پرداخت یارانه قدرت خرید اقشار فقیر جامعه را بالا خواهد برد، با تورم و گرانی سرسام آور و افزایش قیمتها که در راه است، و همین اکنون با افزایش چندین برابر قیمت برق و بلیطهای اتوبوسها و بسیاری از اقلام دیگر واضح است که دروغ و وقاحتی بیش نبوده و نیست. در جامعه ای که قیمتها هر ساعت و هر روزه بالا می

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

یک میلیون تومان می باشد. این یعنی اکثریت جامعه زیر خطر فقر می باشند. پرداخت یارانه هم قادر نبوده و نخواهد بود فقر، گرانی و فلاکتی را که خود طراحان و مجریان این طرح بر گرده مردم تحمیل کرده اند، کاهش بدهد. چرا که خود دولت و کل نظام جمهوری اسلامی مسئول مستقیم اینهمه فقر و گرانی و فلاکت و بی حقوقی است و نه می خواهد و نه می تواند بهبودی در زندگی مردم بوجود بیاورد. تمام هم و غمشان دزدی، سرکوب و جنایت و اعدام و زندان، برای نگه داشتن حکومتشان بوده و جز این امری ندارند. هر جایی هم که مردم چیزی بدست آورده اند، فقط و فقط در سایه زوراعتراض و مبارزه شان بوده است. برای پایان دادن به این همه بی حقوقی، فقر و فلاکت باید حکومت دزدان و قاتلان اسلامی سرمایه را به زیر کشید. *

رود کدام کارگر و معلم و پرستار به فرض اینکه حتی ۲۰ هزار تومان هم در ماه یارانه بگیرد، قادر خواهد بود مواد سوختی مورد نیاز و سایر مایحتاج زندگی خانواده اش را تأمین نماید؟ یارانه بدست مردم نرسیده در جنگل گرانی کالاهای ضروری مورد نیاز مردم گم خواهد شد. هدفمند کردن یارانه ها طرحی برای تحمیل گرانی و فقر و فلاکت بر گرده مردم، درآمدهای سرشار هزاران میلیاردی برای رژیم می باشد. به فرض پرداخت همین چند هزار تومان ماهانه به عنوان یارانه در مقایسه با درآمدهایی که دولت در سایه اجرای این طرح رسماً و قانوناً می دزدد، بیشتر به یک شوخی می ماند. کارگری که ماهی ۳۶۰ هزار تومان دستمزد می گیرد و با این چندرغاز باید زندگی خود و خانواده اش را تأمین نماید، رسماً زیر خط فقر زنده مانده است. خودشان اعلام کرده اند که خط فقر بین ۷۰۰ هزار تومان تا

زنده باد سوسیالیسم!

اخراج، بیکاری و نپرداختن دستمزد کارگران باید متوقف گردد!

ایران خودرو

رانندگان اخراج شده ایران خودرو خواهان بازگشت بکار خود هستند. طی سال گذشته تعدادی از رانندگان ایران خودرو به بهانه فرسوده و مستعمل بودن اتوبوسها، اخراج گردیده اند.

سال گذشته ستاد مدیریت حمل و نقل سوخت طی دستورالعملی، تردد اتوبوسهای مدل ۲۰ سال پیش را ممنوع اعلام کرد. از آن پس مسئولان ایران خودرو به بهانه پایین بودن مدل اتوبوسهای سرویس ایاب و ذهاب، به بیکار کردن رانندگان پرداختند. از مجموع ۱۸۰ راننده ایران خودرو حدود ۵۰ نفر از افراد با سابقه آن مشمول این ممنوعیت شده و شغل خود را از دست داده اند. رانندگان بیکار شده در اعتراض به این بیکار سازیها اعلام کرده اند که این فقط بهانه ای برای بیکار سازی آنهاست. چرا که مشاهده شده مدل اتوبوسهای برخی از رانندگان جایگزین از مدل اتوبوس رانندگان اخراج شده قدیمی تر است. مسئولان ایران خودرو درحالیکه فرسوده بودن و مدل پایین بودن اتوبوسها را بهانه قرارداده اند اما بجای رانندگان اخراج شده رانندگان جدید با همان اتوبوسهای فرسوده استخدام کرده اند.

کار رانندگان سرویسهای ایاب و ذهاب جا به جا کردن قریب به هجده هزار پرسنل ایران خودرو است که هر روزه از ساعت ۵ بامداد تا ساعات نیمه شب در سه شیفت انجام میشود. طی این مدت پرداخت تمام هزینه های مربوط به تعمیر و نگهداری و نیز بیمه ماشین و مسافران، بر عهده رانندگان بوده است. علیرغم اینکه رانندگان حتی حاضر به تعویض اتوبوسهای فرسوده خود با اتوبوسهای نو هستند اما تاکنون به این درخواست آنها پاسخی نداده اند. سیاست بیکارسازی فشار اقتصادی کمرشکنی به رانندگان و خانواده های آنان وارد کرده است

کارخانه ریسندگی نازنخ قزوین
به دنبال تعطیلی کارخانه نازنخ کارگران این واحد تولیدی روز سه شنبه نهم شهریور ماه، دراعتراض به شش ماه عدم دریافت حقوق و تعطیلی کارخانه برای چندمین بار در مقابل این شرکت تجمع کردند و خواهان رسیدگی به وضعیت خود شدند. هرکدام از این کارگران بین سه تا چهارمیلیون تومان از کارخانه جهت دستمزدهای پرداخت نشده خود طلبکارند. عدم پرداخت

دستمزدها و سر دواندن کارگران وضعیت اسفناکی برای خانواده آنان ایجاد کرده است. این اعتراضات کماکان ادامه دارد.

کارگران فرنگ و دستمزدهای پرداخت نشده

کارگران کارخانه فرنگ قزوین ۸ ماه است که حقوق نگرفته اند. این کارگران علیرغم تجمعات اعتراضی پی در پی خود تا کنون پاسخی نگرفته اند. نپرداختن دستمزدها فشار اقتصادی سنگینی بر این کارگران وارد کرده است. بطوریکه یکی از کارگران این کارخانه در اثر این فشار ها اقدام به خودکشی کرده است. اعتراض این کارگران برای نقد کردن طلبهایشان ادامه دارد.

کارگران شرکت صناعت بدون پرداخت حقوق اخراج شدند

بنا به گزارش سایت انجمن برق و فلزکار کرمانشاه، کلیه کارگران شرکت صناعت از پیمانکاران پتروشیمی کاپوایی در عسلویه که ۵۰ نفر هستند، از کار اخراج شده اند. این کارگران ۵ ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده و در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهایشان روز چهارشنبه ۳ شهریور دست به اعتصاب در محل کار زدند. لازم به ذکر است که کارفرمای شرکت چند روز قبل از منطقه خارج شده و کارگاه عملاً به حالت تعطیلی در آمده است. به دنبال اعتصاب کارگران، حراست پتروشیمی به کارگران اعلام نموده است که مدیران شرکت صناعت دیگر بر نمی گردند و شما نیز حق اعتراض ندارید و باید از کارگاه بیرون بروید. بدین ترتیب در روز بعد از آن کارگران از ورود به کارگاه منع شدند. در مقابل این وضعیت کارگران تصمیم گرفتند که روز پنجشنبه ۴ شهریور در مقابل خوابگاه خود در شهر نخل تقی تجمع اعتراضی برپا کنند. صبح روز پنج شنبه به دنبال تجمع کارگران، نیروهای اطلاعاتی به محل آمده و آنها را تهدید کردند که اگر فوری به تجمع خود خاتمه ندهند و باز هم دست به چنین اقدامی بزنند، همه را و بخصوص عوامل اصلی را که شناسائی کرده اند، بازداشت خواهند کرد. همزمان با حضور نیروهای اطلاعات، نمایندگانی از شرکت رامکو که شرکت صناعت جزئی از آن (شرکت رامکو) می باشد به محل تجمع آمده و ضمن اعلام رسمی

تعطیلی شرکت و اخراج کارگران، قول پرداخت قسمتی از حقوقها را به صورت نقدی به آنها دادند و گفتند که در قبال باقی طلبهایشان چک زمان دار خواهند داد، اما کارگران هیچ اعتمادی به این وعده ها ندارند.

پتروشیمی ایلام به طور کلی تعطیل گردید

به گزارش سایت انجمن برق و فلزکار کرمانشاه، شرکت پتروشیمی ایلام تحت عنوان عدم توانائی تأمین مالی و پرداخت طلبهای شرکتهای پیمانکار، اعلام کرد که تا اطلاع ثانوی تعطیل خواهد بود. طبق این گزارش، شرکتهای پیمانکاری نیز به بهانه عدم پرداخت پول از سوی شرکت پتروشیمی بیش از ۴ ماه است به کارگران دستمزدی نپرداخته اند. در اعتراض به این موضوع کارگران این شرکت دست به اعتصاب زده و خواهان دستمزدهای پرداخت نشده خود شدند. در جریان اعتصاب کارگران، کارفرمایان شرکتهای به کارگران اعلام کردند که توان پرداخت دستمزد آنان را ندارند و از روز ۲۴ مرداد شرکت را تعطیل اعلام کرده و وعده دادند که طلبهای کارگران را خواهند پرداخت. اما تا کنون هیچ اقدامی در این جهت انجام نگرفته است.

در پتروشیمی ایلام حدود ۵۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند. این مجتمع صنعتی از زمان شروع به احداث آن یعنی از سال ۱۳۸۵ تا کنون ۳ بار است که به بهانه مشکلات مالی به طور کلی تعطیل شده و هر بار بعد از ماهها و حتی یک سال مجدداً فعالیت خود را از سر گرفته است و در جریان این تعطیل شدنهای کارگران بدون هیچگونه حق و حقوقی از کار بیکار شده اند. بهانه ورشکستگی کارخانه، پاسکاری کارگران بین مدیریت و پیمانکاری، یک شگرد سرمایه داران در ایران برای استثمار مطلق کارگران و به جیب زدن دستمزدهایشان و اخراج بی حق و حقوق آنان از کار و ایجاد شرایط برده وار کار در کارخانجات است. کارگران به این وضعیت معترضند.

کارخانه صنایع فلزی ایران؛

شش ماه است که حدود ۲۲۰ نفر از کارگران قراردادی کارخانه صنایع فلزی بلا تکلیف مانده اند و دستمزد ماهیانه و مزایای کاری شان را دریافت نکرده اند. در پاسخ به اعتراضات ممتد این کارگران صاحبکار کارخانه اعلام میکند که پولی برای باز پس

دادن دستمزدهای شما موجود نیست! کارگران دستمزدهای پرداخت نشده خود را میخواهند.

لوله سازی خوزستان؛

۱۲۰ نفر از کارگران لوله سازی خوزستان بیش از یکسال ونیم است که دستمزدهای خود را طلب دارند و دستمزدشان پرداخت نشده است. این کارگران با برپایی تجمع اعتراضی در مقابل این شرکت خواستار احقاق حقوقشان هستند. کارگران لوله سازی خوزستان هنوز پاسخی از صاحبان شرکت دریافت نکرده اند. در طول یکسال اخیر این کارگران بارها در اشکال تجمع و راهپیمایی به این وضعیت اعتراض کرده اند و در اعتراضاتشان توانسته اند توجه و حمایت مردم شهر را جلب کنند. این اعتراضات ادامه دارد.

شرکت مخابرات راه دور شیراز (آی تی آی)؛

نزدیک به ششصد نفر از کارگران و کارمندان شرکت مخابرات راه دور (آی تی آی) قریب به دو سال است که دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران با تجمع اعتراضی در مقابل درب ورودی این شرکت خواهان پرداخت ۱۸ ماه دستمزدهای معوقه خود هستند. در طی هفته گذشته کارگران مخابرات راه دور شیراز با تجمع اعتراضی خود خواستار توضیح کارفرما و پرداخت طلب خود بودند. در طول یکسال گذشته این کارگران در رابطه با این موضوع تجمعات متعددی برپا کرده اند و اعتراضات آنها انعکاس بسیاری در شهر شیراز داشته است و زیر فشار این اعتراضات هر از چند گاهی یکماه از طلبهایشان پرداخت شده است. در آخرین حرکت اعتراضی آنها، کارگران این کارخانه پلاکاردی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: "معیشت، زندگی حق مسلم ماست". این کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستشان به تجمعات خود ادامه خواهند داد. کارگران مخابرات راه دور در وضعیت وخیم و فلاکت بار معیشتی بسر میبرند.

کارخانه لوله و ماشین سازی ایران؛

۶۰ نفر از کارگران قراردادی واحد شماره ۲ کارخانه لوله و ماشین سازی ایران واقع در جاده ساهو پس از به تعطیلی کشیدن کارخانه بیکار شده اند. این واحد تولیدی بدلیل مشکلات تولیدی و کمبود نقدینگی و نداشتن مواد اولیه در هفته گذشته تعطیل گردیده است. متعاقب آن ۶۰ نفر از

کارگران قراردادی اخراج گردیدند. اینها همه گوشه ای کوچک از جهنمی است که جمهوری اسلامی سرمایه، برای کارگران و خانواده های آنان آفریده است. تحمیل مشقت و مصائب بیشمار، گرانی سرسام آور و نپرداختن دستمزدهای ناچیز کارگران که چندین برابر پایین تر از خط فقر اعلام شده توسط سردمداران جمهوری است، زندگی خانواده های کارگری را به مشقت و سختی بسیاری روبرو کرده است. بیکاری و اخراج و عدم پرداخت دستمزد کارگران سیاست ضد بشری است که سرمایه داران با حمایت آشکار دولت، برای نجات سرمایه های خود در پیش گرفته اند. جمهوری اسلامی بیرحمانه کارگران را به بردگان بی دستمزد بدل کرده است. این وضعیت فلاکت بار از سوی کارگران قابل پذیرش نیست. این سیاست ضد انسانی باید فوراً خاتمه یابد. کارگران و خانواده های شریف آنان حق دارند و باید از امکانات استاندارد و مکفی زندگی ایمن و آسوده ای برخوردار باشند. راه مقابله با این تهاجم وحشیانه به معیشت کارگران و خانواده های آنان، مبارزه سراسری قدرتمند علیه گرانی، بیکاری و فلاکت است. سازماندهی اعتراضات، اعتصابات و اقدامات سراسری علیه اخراج و بیکاری و برای باز پس گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده، عاجل ترین اقدام برای خلاصی از شر فلاکت تحمیلی جمهوری اسلامی است. بویژه اکنون با نزدیک شدن به آخر سال و موعد تعیین حداقل دستمزدها، با موج جدیدی از اعتراض برای افزایش دستمزدها روبرو خواهیم شد. امروز بیش از هر وقت ضروری است که با خواسته های فوری خود متحاذنه مقابل دولت و کارفرمایان بایستیم. بیکارسازیها باید فوری متوقف شود، کارگران بیکار باید از بیمه بیکاری مکفی برخوردار باشند، دستمزدهای کارگران باید فوراً پرداخت شود، حداقل دستمزد در گام اول باید یک میلیون تومان باشد، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید آزاد گردند، تشکیل، اعتصاب حق مسلم ماست و با یک جنبش قدرتمند مطالباتی جلو بیاوریم. و اعلام کنیم که زیر بار فقر و گرانی نمی رویم و زندگی انسانی حق مسلم ماست. زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ شهریور ۱۳۸۹، ۲ سپتامبر ۲۰۱۰

اطلاعیه شماره ۶۳: فراخوان به اقدام فوری، شنبه ۱۸ سپتامبر: شهروندان جهان علیه رژیم شلاق و سنگسار!



ایران برسمیت شناخته نشود. امروز وقت عملی کردن این خواست ها است. مردم ایران از هیچ مرجع و دولتی قبول نمیکند که به جمهوری اسلامی در هیچ جا تریبون داده شود. جمهوری اسلامی شرم بشریت است و رهبرانش باید بخاطر ۳۱ سال جنایت هرروزه علیه مردم محاکمه شوند.

از همه شهروندان جهان درخواست میکنیم روز شنبه ۱۸ سپتامبر در همه شهرها در سراسر جهان علیه رژیم شلاق و سنگسار و اعدام جمهوری اسلامی دست به تظاهرات بزنید و این رژیم را محکوم کنید. اعلام کنید که سکنه باید فورا و بی قید و شرط آزاد شود و مجازات سنگسار و اعدام و شلاق و نظیر آن برای همیشه ملغی شود. خواستار این شوید که رژیم شلاق و سنگسار و اعدام نباید برسمیت شناخته شود و دفاتر و

از عمق جنایتکاری آن برمیدارد، عمق بی حقوقی مردم، ابعاد بی حقوقی زنان، بی حقوقی زندانیان، سیستم جنایتکارانه قضائی این حکومت، قوانین عقب مانده مذهبی و اوج وحشیگری و جنایت پیشگی و در عین حال استیصال کامل آنرا نشان میدهد.

باید با تمام قوا برای نجات سکنه آشتیانی و علیه حکومت سنگسار و شلاق به میدان آمد. ما همواره گفته ایم که بعنوان یک اقدام موثر و برای یاری به مردم ایران در مبارزه شان علیه جمهوری اسلامی، این رژیم در سراسر جهان باید بایکوت سیاسی شود و سفارتهاش بسته شود. سالها است گفته ایم که این رژیم را از مجامع بین المللی، از سازمان ملل و سازمان جهانی کار و از همه مجامع دیگر خارج شود و بعنوان نماینده مردم

جمهوری اسلامی، یک بار دیگر سکنه را بر طبق قوانین اسلامی و جنایتکارانه اش ۹۹ ضربه شلاق زد. رژیم عکس بی حجابی که به اشتباه بعنوان عکس سکنه در تایمز لندن چاپ شد را بهانه کرد تا او را به جرم "ترویج فساد و بد حجابی" شلاق بزند! این در حالی است که رژیم هفته قبل سکنه را تهدید به اعدام در روز یکشنبه ۲۹ اوت کرد و البته حکم اعدام و سنگسار همچنان بر بالای سر او چرخ میزند و امروز سجاد از طریق تلفن به حاضرین در کنفرانس پاریس گفت که نگران است با پایان یافتن ماه رمضان در این هفته، مادرش اعدام شود.

براستی ما با یک رژیم سادیستی اسلامی سر و کار داریم. سکنه را زجر کش میکند تا بگوید هنوز وجود دارد! هر حرکت این رژیم، پرده دیگری

کنید و ما را مطلع کنید. میدانیم فرصت زیاد نیست اما این بار باید بکوشیم تظاهرات ها حتی وسیعتر و گسترده تر از ۲۸ اوت باشد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار

کمیته بین المللی علیه اعدام

میشن فری ایران

ایران سولیداریتی

۶ سپتامبر ۲۰۱۰

سفارتهاش باید همه جا بسته شود. اعلام کنید که به احمدی نژاد نباید اجازه شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل داده شود که بعنوان نماینده مردم ایران پشت تریبون برود.

خودتان را برای تظاهرات علیه حکومت شلاق و سنگسار و اعدام آماده کنید. دوستان را خبر کنید. محل و ساعت تظاهرات را روشن

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۶۶

مانور تازه جمهوری اسلامی را خنثی میکنیم



کنفرانس مطبوعاتی در شهر برلین در مورد کمپین جهانی نجات سکنه محمدی با مینا احدی

رهبر کمپین جهانی نجات سکنه در مورد تاکتیک فرصت خریدن جمهوری اسلامی با هدف مقابله با کمپین گسترده جهانی علیه حکومت اسلامی با خبرنگاران صحبت خواهد داشت و قرار است سجاد قادرزاده فرزند خانم آشتیانی و هوتن کیان وکیل ایشان نیز با تلفن در کنفرانس حضور یابند. گرداننده کنفرانس کریستیان تسیرمن خواهد بود. در اطلاعیه مطبوعاتی مربوط به این کنفرانس از همه رسانه های ایرانی و جهانی دعوت بعمل آمده است. گزارش مشروح کنفرانس متعاقبا منتشر خواهد شد.

امروز جمعه ۱۰ سپتامبر به دعوت نهاد علیه اعدام و سنگسار در برلین و با حمایت کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار در شهر برلین قرار است که کنفرانسی مطبوعاتی برگزار شود.

بدنبال پخش خبر عدم اجرای فوری حکم اعدام و سنگسار خانم آشتیانی، فرزندان خانم آشتیانی بیانیه ای داده و اعلام کردند که به این نوع وعده و وعیدها اطمینانی ندارند و خواهان اعلام قطعی و رسمی لغو حکم سنگسار و اعدام مادرشان هستند. در این کنفرانس مینا احدی

۳- ما اعلام میکنیم که کمپین ما تا روزی که سکنه آزاد شود و در خانه خود فرزندانش را ملاقات کند و تا لغو حکم سایر محکومین به سنگسار و لغو مجازات وحشیانه سنگسار با تمام قوا ادامه خواهد یافت. پاسخ ما به مانور جمهوری اسلامی و اظهارات

بیشترانه کمیسیون حقوق بشر رژیم، تداوم قاطعانه اعتراض و افشاگری علیه جمهوری اسلامی است. از همه شهروندان جهان میخواهیم، اظهارات حکومت سنگسار اسلامی را با شرکت وسیع در تظاهرات جهانی روز ۱۸ سپتامبر پاسخ دهند. این تنها راه عقب راندن کامل رژیم و آزادی سکنه است. از شخصیت ها، سازمانها و دولتهائی که تاکنون به حکم اعدام و سنگسار آزادی او شده اند نیز میخواهیم با تداوم فشار خود به جمهوری اسلامی، به خنثی کردن مانورهای آن کمک کنند و همچنان بر خواست لغو حکم اعدام و سنگسار سکنه و خواست آزادی او پافشاری کنند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار

کمیته بین المللی علیه اعدام

۸ سپتامبر ۲۰۱۰

دستور روز کمپین جهانی نجات سکنه و نیز رسانه ها و دولتهائی که از سکنه حمایت کرده اند، خارج کند. اما حتی درمورد توقف حکم اعدام سکنه هم، سجاد قادرزاده فرزند سکنه میگوید که هیچ سند رسمی به وکیل سکنه داده نشده است.

۲- اظهارات دبیر کمیسیون حقوق بشر رژیم درمورد ملاقات سکنه با فرزندانش نیز دروغ محض است. در حالیکه سجاد و آقای هوتن کیان وکیل سکنه بارها اعلام کرده اند که دو هفته است سکنه را از ملاقات با فرزندان و وکیلش محروم کرده و حتی تماس تلفنی او با آنها را نیز قطع کرده اند، کمیسیون حقوق بشر رژیم قصد دارد به موازات اعلام تعویق در حکم اعدام سکنه، شرایط زندان سکنه را مساعد توصیف کند تا فشارهای جهانی علیه محدودیت هائی که برای سکنه ایجاد کرده اند و علیه ۹۹ ضربه شلاق مجدد و اذیت و آزار او برای کشاندن او به مصاحبه تلویزیونی را نیز خنثی کند. سجاد میگوید همه ملاقات ها ثبت میشود و خواسته است جمهوری اسلامی در این مورد سندی مبنی بر ملاقات او و سعیده با سکنه ارائه دهد.

جمهوری اسلامی زیر فشارهای گسترده جهانی برای لغو حکم سنگسار و اعدام سکنه محمدی آشتیانی و خواست آزادی او، بار دیگر دست به مانور جدیدی زده است. وحید کاظم زاده دبیر منطقه هفت کمیسیون حقوق بشر اسلامی رژیم امروز ۱۷ شهریور در سایت خبری تحلیلی مشرق به نقل از رئیس قوه قضائیه گفته است که فعلا حکم اعدام سکنه متوقف شده است. او همچنین گفته است که هیچ محدودیتی در زندان برای سکنه ایجاد نشده، ملاقات هفتگی با سجاد و سعیده هر هفته ادامه داشته، مجددا شلاق نخورده و برای مصاحبه ماه اوت با صدا و سیمای رژیم تحت فشار قرار نگرفته است. ما بدینوسیله اعلام میکنیم:

۱- قبالا هم بارها مقامات قضائی جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراضات جهانی اعلام کرده اند که بررسی پرونده سکنه به تعویق افتاده است. این یک تاکتیک شناخته شده رژیم برای وقت خریدن و خنثی کردن فشارهای جهانی است. رژیم با این مانور قصد دارد الغا کند که در حال حاضر خطری سکنه را تهدید نمی کند تا فشار جهانی علیه خود را کاهش دهد و موضوع را از

کمک مالی به کمپین نجات سکنه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!